



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ برای امپریالیسم
و شکست زنجیریش

بها: ۵۰ ریال

مرداد و شهریور ۶۷ - ۵۰ صفحه

سال سوم - شماره ۲۰

گستر زندانیان سیاسی جلوه ای از یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب

تشدید سرکوب اعتراضات توده ها و شکست مبارزین و توسل به گستر زندانیان سیاسی صفحه سیاه دیگری بر پرونده سراسر سیاه و خنایتبار خود اضافه نمود.
در این رابطه سردمداران در صفحه ۱۱

بدنبال موافقت جمهوری اسلامی با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در رابطه با اعلام آتش بس در جنگ ایران و عراق و آغاز مذاکرات صلح، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی یورش وحشیانه ای را به انقلاب فدائیسیتی خلقهای مبارز سازمان داده و با



درباره صلح در

جنگ امپریالیستی ایران و عراق

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جنگ ویرانگر و جنایت بار ایران و عراق، جنگی که به اعتراف خود دست اندرکاران و سازماندهندگان آن در ابعاد جنگهای جهانی امپریالیستی جریان داشت، در روند دیگری قرار گرفته است. روندی که پس از طی فراز و نشیب ها و مانورهای طبیعی در مذاکرات دو دولت ایران و عراق پایان جنگ و برقراری صلح بین طرفین در مقابل آن قرار دارد.

این امر برای تمام کسانی که قادر به درک ماهیت واقعی جنگ ایران و عراق در صفحه ۲

جمهوری اسلامی در وحشت از جنبش خلق کرد

در صفحه ۵۰

جاودان باد

خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی سامانی (کاک فرهاد) که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگید!

صفحه ۵۰

اطلاعیه مبن گذاری پیشمروگان چریکهای فدائی خلق ایران

در منطقه پیرا نشهر

صفحه ۳۴

پیرامون تغییر و تحولات اخیر در

جنگ ایران و عراق

صفحه ۱۴

گزیده هایی از راهیوهای چریکها :

بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه خود را تشدید کنید!

تخریب خانه های محلات فقیرترین شهر سنج
توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

پیرامون گفتار شولتز در اجلاس اخیر سازمان ملل
صفحه ۳۵

- * اعلام "پشسرگه" ۲۱
- * شعر: رودخانه ۳۱
- * اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با اعلام انقلابی ۲۲
- * تظاهرات در همدان ۴۲
- * اخبار ۴۵
- * شهدای مرداد و شهریور ۴۸
- * روز شمار مرداد و شهریور ۴۸

زنده بمان مبارزه صلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

درباره صلح در جنگ امپریالیستی ایران و عراق

از صفحه ۱

از ضرورت تداوم "جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم سخن گفته میشود حتی در آخرین روزهای قبل از پذیرش قطعنامه لایحه قانونی کردن جنگ تا پیروزی را به مجلس ضد خلقی شورای اسلامی ارائه مینمودند .

مسئله توضیح جنگ ایران و عراق بر مبنای جنگ افروزی خسینی و دیگر سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی بدون در نظر گرفتن نقش مستقیم امپریالیستها در این جنگ نمیتوانست توضیح علمی و واقعی از جنگ مورد نظر بوده باشد ، بر همین مبنی اکنون نیز نمیتوان از مسئله "صلح" تحلیلی علمی ارائه نموده و دلائل آنرا بطور عینی برای توده ها توضیح داد مگر آنکه داستان خون آلود امپریالیست ها در جنگ ایران و عراق و نقشی که آنان به همیاری رویزیونیستها بعنوان سازماندهندگان اصلی این جنگ ایفاء نموده اند را در نظر گرفته و آشکار و افشاء نمود .

برای کمونیستها در پرتو آموزش های مارکسیسم-لنینیسم این امر واضحی است که آنها باید برای درک ماهیت واقعی هر جنگی ابتدا خصلت طبقاتی آنرا تشخیص دهند و ببینند که آن جنگ مفروض در چه شرایط تاریخی - اقتصادی

ابلهانه تر از همه بخاطر "فتح قدس از طریق کربلا" تلقی مینمودند امروز با قرار گرفتن در مقابل واقعیت پذیرش آتش بس از طرف جمهوری اسلامی و آغاز روند صلح با باید اذعان کنند که از درک ماهیت واقعی جنگ ایران و عراق عاجز بوده و تحلیل آنان را در مورد جنگ بیشتر تبلیغات طرفین جنگ و روزنامه نویسان بورژوا و دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی شکل میداده است و یا باید با تمسک به دلائل واهی توضیح دهند که چگونه شد رژیم که بخاطر رواج "اسلام" و یا گویا بخاطر خوش رقصی برای امپریالیسم و جلب توجه او جهت کسب نقش "ژاندارمی در منطقه" درگیر چنان جنگ بزرگ و دهشتناکی بود به یکباره از زبان خمینی جلاد که روزی اعلام کرده بود "هر کس صلح می خواهد دعا کند من بمیرم" امروز با استغاثه خواستار پایان دادن به جنگ شده است . بخصوص که همگان میدانند ایران رژیم جمهوری اسلامی در وضعیتی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته و اعلام آتش بس در جبهه های جنگ نمودند که در همه جای کشور بساط تبلیغات ننگین و ارتجاعی مزدوران ریز و درشت این رژیم همچنان بر پا بوده و در همه جا

عراق نبوده و آنرا صرفاً در حیطه محدود منافع طرفهای درگیر بررسی نموده و یا برای کسانی که نقش امپریالیستها را در این جنگ حداکثر به عنوان یک عامل خارجی بحساب می آوردند ، سردرگمی های زیادی را بوجود آورده است . آن نیروهای سیاسی که معتقد بودند رژیم جمهوری اسلامی نه به اعتبار حمایت قدرت جهانی امپریالیسم از او، بلکه به جنگ زنده است و از این رو پایان جنگ را به سرنگونی رژیم پیوند زده و برقراری صلح را در شرایط سلطه جمهوری اسلامی ناممکن میدانستند ، اکنون با توجه به برقراری آتش بس در جبهه های جنگ و آغاز روند صلح و در عین حال عدم سرنگونی رژیم مشاهده میکنند که سیر وقایع بر خلاف اعتقادات و نظرات آنان عمل نموده و ایمن واقعیت سترونی تحلیل های آنان را بوضوح هر چه تمامتر عیان ساخته است .

آن جریانات سیاسی نیز که جنگ ایران و عراق را از جانب رژیم جمهوری اسلامی بخاطر "صدور انقلاب اسلامی" ، کسب نقش "ژاندارمی در منطقه" ، برقراری "جمهوری اسلامی در عراق" و یا چشم داشت وی به خاک این کشور و

واقع شده، چه طبقاتی و بخاطر کدام اهداف درگیر آنند و چگونه آنها هدایت می‌کنند. تحلیل مارکسیستی بر خلاف تفکر نادرست ولی رایج در میان مردم علت جنگها را نه ناشی از "خپت‌طینت" فلان سرمایه دارویاسیاست نادرست فلان رهبر بلکه ادامه منطقی سیاست آن طبقاتی میدانند که قبل از جنگ آنها پیش برده اند و از آنجا که هر سیاسی بیسان فشرده منافع اقتصادی طبقه معینی است آنچه در توضیح علت هر جنگی باید مورد توجه اصلی قرار بگیرد همانا تشخیص و توضیح آن منافع اقتصادی است که طبقه مفروض قبل از جنگ و در ایام جنگ آنها دنبال نموده است و بدون شك مبادرت به صلح از طرف این طبقه زمانی میسر می‌گردد که دیگر جنگ پاسخگوی تامین منافع اقتصادی وی نباشد.

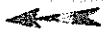
تاکنون در تحلیل‌هایی که اکثر جریان‌های سیاسی از جنگ ایران و عراق ارائه نموده اند حتی اگر این تحلیل‌ها ظاهری بالنسبه منطقی داشته است اتفاقاً آنچه نادیده گرفته شده و بحساب نیامده است واقعیت فوق‌الذکر بعنوان جوهر اساسی در تشریح و توضیح این جنگ بسوده است از اینرو ارائه دهندگان آن تحلیلها آنجانبی که از نقش امپریالیستها صحبت به میان آورده و یا حتی

گفته اند که جنگ ایران و عراق بخاطر تامین منافع "بورژوازی" یا "بورژوازی امپریالیستی" برپا گردیده و تداوم یافته است هرگز قادر نبوده اند به توضیح و تشریح آن منافع اقتصادی بپردازند که "بورژوازی" مورد نظر آنها در طی جنگ خواستار تامین آن بوده است.

به واقع این نیروها در کوشش بیپرده خود برای توضیح جنگ ایران و عراق نه از لحاظ تامین منافع امپریالیزم بل بلحاظ تامین منافع رژیمهای ایران و عراق و یا بورژوازی دو کشور در عمل به آنجا رسیده اند که اساسا پایه اقتصادی جنگ رانفی نمایند. به این ترتیب آنهاش کسه جنگ ایران و عراق را به دلیل ضرورت "کشور گشائی"، "صدور انقلاب اسلامی" و "پان اسلامیس" جمهوری اسلامی قلمداد نموده اند هیچوقت نگفته اند و نمیتوانستند بگویند که جمهوری اسلامی بمثابه نماینده کدام نیروی اقتصادی و برای تامین چه منافع اقتصادی خواهان جنگ با عراق بوده است و اگر جمهوری اسلامی را رژیم سرمایه داری میدانند آن کدام سرمایه‌هایی است که با اشباح شدن بازار داخلی تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی به بازار عراق و یا بازار کشورهای دیگر چشم دوخته و منافع خود را در تسخیر این

بازارها میدیده است؟ اگر واقعیت ملاک قضاوت است باید بدانیم که بازار داخلی هر دو کشور در تصرف سرمایه‌های خارجی است و در شرایط بحرانی کنونی و تحسنت نظامهای موجود بورژوازی وابسته در هر دو کشور از بر آورده کردن نیازهای اولیه بازارهای داخلی خویش نیز عاجز می‌باشد چه رسد به اینکه، آنها برای صدور سرمایه و فروش مازاد کالاهای خود نیاز به تسخیر بازار یکدیگر داشته و بر این اساس به جنگ متوسل گردند. ولی اگر در توضیح جنگ ایران و عراق وبالطبع در رابطه با برقراری آتش بس و مسئله صلح تشریح منافع اقتصادی نهفته در ورای آن امری ضروری است قبل از هر چیز با تکیه بر شرایط تاریخی - اقتصادی معینی کسه جنگ ایران و عراق در بستر آن بوقوع پیوسته بایند این رهنمود داهیانه رفیق کبیر مسعود احمدزاده اکیدا مورد توجه قرار گیرد که: "در حقیقت تبیین هرگونه تغییر و تحولی در جامعه بدون آنکه به تضاد اصلی نظام موجود، یعنی تضاد بین خلق و سلطه امپریالیستی، توجه شود، تبدیل بیک چیز بچ و مهمل می‌گردد. و مسئله سلطه امپریالیزم را باید بطور ارگانیک و بمثابه زمینه هرگونه تحلیل و تبیین در نظر گرفت نه چون یک عوامل خارجی کسه بهر حال نقشی دارد."

روگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی



واقعیت اینست که ما در عصر امپریالیسم و در شرایطی بسر میبریم که سیاست استعماری جهان را کاملاً به زیر سیطره خود در آورده و تقسیم اراضی جهان از طرف "بزرگترین کشورهای سرمایه داری" نه تنها سالهاست که به پایان رسیده بلکه امپریالیستها برای تجدید تقسیم این اراضی و گسترش مناطق نفوذ بارها جنگهای امپریالیستی خونین به راه انداخته اند، در شرایطی که "سیادت سرمایه بطور کلی به سیادت سرمایه مالی" تبدیل گردیده است، در شرایطی که سرمایه مالی تمامی کشورهای عقب نگاه داشته شده را در چنبره سلطه اهریمنی خود گرفته و رژیم های موجود در این کشورها اساساً وابسته به امپریالیسم میباشند. درک این واقعیت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در پرتو آن میتوان دریافت که چنین رژیم هائی دیگر نیروی مستقلی نبوده و حرکت آنان منطبق بر نقشه و برنامه هائی پیش میرود که خطوط کلی آن توسط امپریالیستها و اتفاقاً بدون شرکت آنها طرح ریزی گردیده است و حتی این رژیم های وابسته در اجرای برنامه های امپریالیستی مزبور تحت کنترل و نظارت امپریالیسم قرار دارند. برای مبنای بدون در نظر گرفتن نقش قاطع و تعیین کننده امپریالیسم در اعمال سیاست های کلی در کشورهای تحت سلطه ارائه تحلیل علمی از آن سیاست ها

امکان ناپذیر میباشند و کسانی که به چنین کاری دست میزنند حتی اگر نقش امپریالیسم را بعنوان يك عوامل خارجی در تحلیل های خود در نظر گرفته باشند کار آنان در عمل جز فربهکاری و تطهیر چهره امپریالیسم نتیجه دیگری بسیار نخواهد آورد. بسا چنین دیدگاهی است که باید و میتوان مسئله جنگ ایران و عراق را مورد بررسی قرار داد و بر چنین اساسی است که میتوان گفت آن نیروهای سیاسی که روزی هزار بار برای توده ها توضیح میدهند که "جنگ" ادامه سیاست است اما بطریق دیگر ولی در همین جا درجائده و دیگر نمیگویند سیاست کدام طبقات و در کدام شرایط تاریخی - اقتصادی و جنگ ایران و عراق را به سیاست رژیم جمهوری اسلامی و حداکثر بورژوازی ایران نسبت میدهند آنهم بدون تعیین وابستگی جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران بسسه امپریالیسم، تنها خاک به چشم کارگران و توده های ستمدیده میباشند و آنها را از درک کنه واقعیت باز میدارند.

آری جنگ ادامه سیاست است اما در عصر امپریالیسم با توجه به وابستگی های عمیق کشورهای تحت سلطه به امپریالیستها و این واقعیت که رژیم های بر سر کار این کشورها جز سگان زنجیری امپریالیسم و مجریان حلقه به گوش سرمایه انحصاری نمیباشند اگر سیاست خارجی کشور تحت سلطه انعکاس و دنباله سیاست داخلی آن می باشد

اما همین سیاست داخلی قبل از هر چیز خود انعکاس و دنباله سیاست خارجی امپریالیسم است. حال اگر در نظر بگیریم که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه هیاهوهای ضد امپریالیستیش رژیمی وابسته به امپریالیسم و به خصوص وابسته به امپریالیسم امریکا میباشند و اگر توجه کنیم که امپریالیسم امریکایی از جنگ های دو دهه گذشته به اعتبار قدرت اقتصادی خویش و با توجه بسسه فرسودگی و ناتوانی دیگر امپریالیستها در جریان جنگ، بسیاری از مناطق و از جمله ایران را تحت سیطره خود گرفته و بسا سازماندهی "ارتش شاهنشاهی" و تجهیز آن بسسه سلاحهای مدرن امریکائی و آموزش این ارتش بوسیله مستشاران نظامی سلطه خود را هر چه بیشتر تحکیم نمود و امروز افسار این ارتش را علیرغم تغییر نامش به "ارتش جمهوری اسلامی" همچنان در دست دارد و اگر توجه کنیم که سرمایه های امریکایی پس از جنگ جهانی دوم و امروز نه تنها در مناطق نفوذ امپریالیستهای کهن بلکه حتی مثلاً در خود انگلستان و آلمان و فرانسه نیز نقش مهمی بدست آورده اند و بالتبعیه در زدوبندهای امپریالیستی عمدتاً این امریکاست که حرف آخر را میزند می توانیم تاکید کنیم که جنگ ایران و عراق هرگز نمیتوانسته است بدون آنکه



ارکان چریکهای فدائی خلق ایران

بالتبع در خدمت تامین منافع اقتصادی آنها قرار دارد تعقیب می نمودند، سرکوب انقلاب که بر زمینه بحران های امپریالیستی، تشدید هرچه بیشتر تضاد خلق و امپریالیسم، چشم انداز رتد هر

چه دامنه دارتری در مقابل آن قرار دارد و هراس و وحشت بیحد امپریالیستها از تلالو فسردهای روشن این انقلابها، اصلی ترین دلیل سیاسی جهت برپائی جنگ حمایت بار ایران و عراق از طرف آنها بوده است. و در همین رابطه نیز استفاده آنان از شرایط ناشی از جنگ جهت میلیناریزه کردن هر چه شدیدتر منطقه، تقویت ارزشهای سرکوبگر بومی و ایجاد زمینه های بسیاری دخالت مستقیمشان برای سرکوب انقلاب خلقهای منطقه در مواقع مقتضی را باید در نظر گرفت. اینها بسودند آن دلایل

اقتصادی و ایضا سیاسی که جنگ امپریالیستی ایران و عراق را موجب گشتند و امپریالیستها و سکان زنجیریشان در طی آن با ارتکاب بسه فجیعترین جنایات بشری سوده های کلانی را از دسترنج کارگران و زحمتکشان منطقه به جیب زدند.

و در طی چنین جنگی بود که شوروی با ارسال پیشرفته ترین سلاحهای زرادخانه خود به میدانهای جنگ ایران و عراق و شرکت در کشتار میلیونها انسان بیگناه، و استقرار نیروهای نظامی خود در منطقه ضمن نشان دادن چهره آن سوسیالیسمی

میکردد همانطور که بارها تاکید داشته ایم مسئله را باید اساسا در رابطه با بحران عمومی اقتصادی دامنگیر امپریالیسم ورکود حاکم بر اقتصاد این نظام محضر توضیح داد.

ما تاکنون در آثار خود بارها مکانیزمهایش را که امپریالیستها طی آن با سرازیر کردن ملاحهای مرکب از خویش به میدانهای جنگ ایران و عراق و انجام اقدامات کوناگون برای جلوگیری از عرضه بیشتر نفت به بازارهای جهانی و کنترل قیمت آن به نفع کارتلهای بزرگ نفتی در جهت تخفیف بحران هسای دائم التزاید خویش بکار گرفته اندرا تشریح نموده و نشان داده ایم که چگونه امپریالیستها به قیمت سرشکن کردن بار بحران های خود برگرده توده های ستمدیده منطقه و بخصوص توده های دوکشور ایران و عراق سوده های سرشاری را نصیب خود ساخته اند و مثلا چگونه با تشنج آفرینی در خلیج فارس سوده های میلیونی به جیب شرکتهای بیمه ریخته شده است و آنها حتی با عاقبت جوش زمینه های بکار انداختن وسیع سرمایه های خود را در بازسازی صنایع و اماکن خراب شده و شهرهای ایران در طی جنگ تدارک دیده اند، همچنین ما نشان داده ایم که امپریالیستها علاوه بر اغراض اقتصادی از جنگ ایران و عراق در جهت حفظ و تحکیم نظام های وابسته به خود در منطقه مقاصد سیاسی چندی را نیز که

سیاست امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم امریکا آنرا ایجاب نماید صورت واقع بخود گرفته و به مدت ۸ سال تداوم یابد و در این رابطه رژیم جمهوری اسلامی جز مجری سیاستهای امپریالیستی در منطقه نبوده است.

همچنین در چگونگی پیشبرد جنگ ایران و عراق باید به نقش شوروی بمثابة یک قدرت جهانی اشاره نمود که پس از غلبه رویزیونیسم در این کشور انترناسیونالیسم پرولتری را به کناری نهاده و زیر پوشش دفاع از "راه رشد غیر سرمایه داری" در واقعیت به رشد و تحکیم بورژوازی وابسته در کشورهای مختلف بسیاری رسانده و همواره کوشیده است تحت عنوان "تشنج زدایی" به زدودن امپریالیستها پرداخته و اختلافات خویش را با آنان در عیاب خلق ها و در مذاکرات مستقیم فی مابین حل و فصل نماید. بر این اساس در جنگ ایران و عراق نیز شوروی به همراه دیگر همپاکی های رویزیونیستش با سیاست پیشبرد جنگ از طرف امپریالیستها موافقت نموده بطوریکه میتوان گفت: نبض این جنگ در مسیر ۸ ساله خود در دست نیروهای امپریالیستی و رویزیونیستی قرار داشته است.

در رابطه با تامین منافع اقتصادی مشخصی که امپریالیستها با پیشبرد جنگ ایران و عراق تعقیب نموده اند سودی که از این راه نصیب رویزیونیستها

که امثال گورباچف ها مدافع آن بوده و از آن بعنوان "سوسیالیسم واقعا موجود" دم می‌زند، کلاهی از این نمذ برای خویش دوخت .

اکنون با برقراری آتش بس درجبهه های جنگی ایران و عراق روند دیگری در رابطه با این جنگ آغاز شده است و از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی با تغییر موضع ناگهانی تن به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل داده و خمینی سفاک پس از آنهمه اعزاز و اکرام جنگی و تاکید بر ضرورت تداوم آن با سرکشیدن جام زهر مجبور گشته است آبروی نداشته خود را با "خدای" خویش یعنی امپریالیسم معامله کند، درهمه جای این سوال مطرح است که آیا روند جدید بواقع به پایان جنگ خواهد انجامید و یا اقدام جمهوری اسلامی را باید مانور دیگری از سلسله مانورهای دغلكارانۀ این رژیم تلقی نمود؟

مادر تحلیلی که در همان آغاز جنگی ایران و عراق در رابطه با این جنگی در اختیار جنبش انقلابی خلقهایمان قرار دادیم ضمن انتقاد به نظریه‌های نیروهای سیاسی همچون "اقلیت" که جنگی مزبور را بدون تکیه بر سر نقش امپریالیسم صرفا با بررسی شرایط حاکم بر دو کشور کوتاه مدت ارزیابی مینمودند مطرح ساختیم که به هیچوجه نمیتوان از کوتاه مدت بودن جنگی سخن گفت و در عین حال توضیح دادیم که بدلیل ماهیت امپریالیستی این جنگی در

صورت تامین اغراض امپریالیسم از آن و در صورتیکه امپریالیستها تداوم آنرا مفید تشخیص ندهند علیرغم همه هیاهوهای جمهوری اسلامی این جنگی حتی یکساعت نیز ادامه نخواهد یافت. تداوم ۸ ساله جنگی نه فقط بروشنی صحت ارزیابی ما را ثابت نمود بلکه اکنون که اعلام آتش بس در جبهه های جنگی اتفاقا در میان هیاهوهای جنگی طلبانه جمهوری اسلامی رخ داده است بوضوح آشکار می‌گردد که ابراز چنان تحلیلی در آنزمان تنها میتوانسته است باوقوف به ماهیت امپریالیستی جنگی ایران و عراق میسر باشد . از اینرو در توضیح اوضاع کنونی نیز برای آنکه بتوان تحلیل بواقع علمی و درست ارائه نمود بایست بر ماهیت امپریالیستی جنگی ایران و عراق تکیه نموده و قبل از هر چیز نشان داد که تمامین منافع امپریالیستها در رابطه با این جنگی امروز در چه چیزی نهفته است و چه عواملی میتواندند علیرغم تمام فوایدی که این جنگی برای آنها در برداشته است باعث شوند که امروز آتش بس در جبهه های این جنگی برقرار گردد .

در این رابطه آنچه باید بطور قاطع مورد تاکید قرار گیرد این است که بدلیل عدم فروکش بحران های امپریالیستی و رشد روز افزون مبارزات توده های خاورمیانه سرشکن کردن بار این بحران ها بر دوش خلقهای منطقه و سرکوب انقلاب کماکان سیاست

امپریالیستها میباشد و از آنجا که جنگهای همانند جنگی ایران و عراق یکی از وسایل مهم نیل به این هدف میباشد از این لحاظ امپریالیستها هرگز بنا به تمایل خویش خواهان فروکش شعله های خانمانسوز جنگی ایران و عراق نبوده اند و اگر امروز آتش بس در جبهه های جنگی برقرار گشته و روند قضایا حکم برپایان جنگی میدهد این امر را باید گواهی بر استیصال و درماندگی امپریالیستها در حال احتضار بحساب آورد . حال برای درک علل این اوضاع باید کمی به گذشته برگردیم .

با نگاهی به روند یکساله اخیر جنگی به همانگونه که پیش از این در رابطه با رویدادهای مکه و کویت و جنگی نفتکشها در خلیج فارس یاد آور شده بودیم، مسائل چندی با برجستگی هرچه بیشتری خود را نشان میدهند. تشنج آفرینی های جمهوری اسلامی در خلیج فارس و سرشاخ شدن وی با عربستان و کویت همانطور که میدانیم به تشدید جنگی نفتکشها و ایجاد هرچه بیشتر زمینه جهت حضور نظامی ناوگانهای امپریالیستها و رویزیونیستها در آبهای خلیج فارس و اسکورت نفتکشها توسط آنان انجامید . در چنین بستری بود که هر روز نفتکش غول پیگوری در آبهای خلیج فارس دچار حریق میگردد و ضمن به آتش کشیده شدن "اضافه تولیدی" که حل

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

نفتی این دو کشور امپریالیستها را به طرحریزی توطئه جدیدی بر علیه خلقهای عربستان و کویت تشویق نمود، و دیدیم که چگونه رژیم مزدور جمهوری اسلامی با تشنج آفرینی در منطقه در جهت اجرای این طرح گام برمیداشت. ما در نوشتجات قبلی خود در مورد چگونگی این طرح امپریالیستی و مکانیسمهایی که طی آن امپریالیستها در حین تخفیف بحرانهای خویش بسوذهای کلانی دست مییافتند را توضیح داده ایم، در اینجا باید یادآور شویم که اگر تداوم جنگ و تشنج آفرینی های جمهوری اسلامی سوذهای میلیاردری نصیب امپریالیستها میساخت اما در همان حال با تشدید اوضاع فلاکتبار اقتصادی دو کشور آنها را بیش از پیش با مشکلات عدیده اجتماعی مواجه میساخت تاگاهی به اوضاع ایران خسود دلیل مهمی بر این مدعاست.

بابه وخامت گرانیدن هرچه بیشتر اقتصاد بحران زده ایران، رژیم جهت پرکردن کیسه خالی خویش و تامین هزینه های جنگ بیش از پیش به سیاست اخاذی از توده های طبقه و شیوه های مختلف پای فشارد که مسلما در پی خود و در کنار عوامل متعددی دیگر ناراضیاتی شدید توده ها را از رژیم جمهوری اسلامی فراهم ساخت ولی بسیاری این سیاست با همه مشکلاتی که بر سر راه آن قرار داشت هنوز به تنهایی پاسخگوی نیازهای

دو طرف درگیر (ایران و عراق) در طی جنگ ویرانگر و طولانی فیما بینشان جستجو نمود. واقعیت این است که درآمد دو کشور اساسا به ارز حاصل از فروش نفت متکی است ولی در شرایطی که بازارهای جهانی از نفت اشباع گردیده و به تبع آن نفت تولید شده در این کشورها بناچار نمیتوانست از حد معینی بالاتر رود، با کاهش قیمت نفت و تنزل ارزش دلار درآمد آنها شدیداً افت نمود. در چنین اوضاعی تحمیل بار مخارج سنگین جنگی به بزرگی این جنگ چه در رابطه با خرید ابزار آلات جنگی و چه در رابطه با تامین هزینه های مربوط به جبهه های جنگی و مخارج امورات دیگر اقتصاد دو کشور را در وضعیت وخامت باری قرار داد. تا آنجا که بنا به گزارش خبرگزاریها مثلا اکنون عراق به صورت یکی از کشورهای مقروض جهان با بدهی ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار در آمده است. و کسر بودجه جمهوری اسلامی نیز زیانزد عام و خاص است در نتیجه با توجه به اوضاع وخامت بار اقتصادی دو کشور معلوم گردید کیسه آنها بیش از آن خالیست که بتوانند همچون قبل پاسخگوی شکم سیری ناپذیر امپریالیستها گردند. اما اگر دو طرف درگیر برای تقبل هزینه های سرسام آور جنگ در وضعیت بدی بسر میبرند برعکس عربستان و کویت بعنوان دو کشور ثروتمند منطقه بیش از پیش مورد توجه امپریالیستها قرار گرفته و درخشش برق دلارهای

میکرد در همان حال نسرخ بیمه کنیروانی به شکلی بر سابقه افزایش مییافت که با احتساب هزینه بسیار گزاف اسکورت نفتکشها روند فوق در حد خود باعث عرضه کمتر نفت به بازار جهانی و بالا رفتن یا تثبیت قیمت این کالا که پیش از آن بسیار سقوط کرده بود گردید. ولی این رویدادها و نتایج ناشی از آن در حالی که سوذهای کلانی را نصیب کارتلها و تراستهای امپریالیستی نمود برگردید عربستان و کویت که دارای ذخایر غنی نفتی میباشند، هزینه های گزافی را متحمل ساخت بطوریکه میتوان گفت یکی از دلایل مهم جنگ نفتکشها و رویدادهای مربوط به آن توطئه امپریالیستی برای بیرون کشیدن دلارهای نفتی از دست حکام عربستان و کویت بود که رژیم جمهوری اسلامی بعنوان منطقه سیاستهای امپریالیسم در منطقه با زمینه سازی برای گسترش جنگ در جهت آن میکوشید ولی در رای این واقعیت، واقعیت دیگری نیز وجود داشت. چرا در شرایطی که جنگ در جبهه های ایران و عراق افت کرده و عبارت "بن بست جنگ" وارد زبان محافل کوناگون امپریالیستی و محافل سیاسی دیگر که سرتیتر نشریاتشان را با آن مزین میکردند گردیده بود، میبایست برای کشیدن هرچه بیشتر پای کویت و عربستان به جنگ ایران و عراق زمینه چینی شود؟ در اینجا گنه مسئله را باید در خالی شدن کیسه

ارتجاعی رژیم نبود و اونا چاره بود برای تامین نیازهای ماشین جنگی عظیمش بسه بورژوازی غیر- بوروکرات روی آورده و آنها نیز سرکبسه نباید ولی این امر و در عین حال دست اندازیهایی هر چه وسعت دولت به حوزه های مختلف تولید و مبادله باعث رشد هر چه بیشتر تضادهای درونی طبقه حاکم گردید. مقاومت بر علیه "جهاد مالی" و سیاستهای مالیاتی رژیم از طرف این بخش از طبقه حاکمه که گاه دولت را مجبور به عقب نشینیهای محدودی نیز مینمود از جمله مواردی است که بروشنی مخالفت بخش خصوصی را با سیاستهای دولت بیان نموده و نشان میدهد که تداوم جنگ به اعتبار دست اندازی هر چه بیشتر به "نقدینگی" بخش خصوصی و ایجاد مشکلاتی بر سر راه گسترش فعالیت او در تمامی حوزه های که مایل بود نمیتوانست باعث مخالفت بخشی از طبقه حاکمه با سیاست مزبور نگردد و این همان چیزی است که در دستگاه دولت به شکل تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه منعکس گشته و شکاف در "بالائیها" را هر روز عمق بیشتری مینماید.

ما در اطلاعیه سازمان "پیرامون تغییر و تحولات اخیر در جنگ ایران و عراق" در مورد ابعاد این مسئله و تاثیرات آن در

پیشبرد سیاستهای دولت و همچنین در مورد اثرات جنگی در تعمیق هر چه بیشتر تضاد خلق با امپریالیسم و سگان زنجیریش تا حدودی توضیح داده ایم در اینجا به اختصار باید بگوئیم که هشت سال جنگی در روند خود عناصر متضاد خود را بار آورده بود، اگر در آغاز میشد با تبلیغات شوینیستی و مذهبی توده های ناآگاه را برای قربانی شدن در مسلخ های جنگی، بسیج نموده و به این طریق بخشی از نیروهای جامعه را که باید در شرایط بحرانی موجود در خدمت مبارزه ضد- امپریالیستی قرار گیرد از صحنه خارج کرد، اگر در آغاز میشد از جنگی بماند و وسیله ای برای انحراف اذهان توده ها از نابسامانیهای کشور و عامل اصلی آن یعنی نظام موجود استفاده نمود و سرکوب انقلاب را تشدید کرد اما با تداوم جنگ گرایشهای صلح خواهانه هر چه بیشتر در توده ها رشد یافت و باعث مقاومت وسیع آنها در قبسال سیاستهای جنگی طلبانه رژیم از جمله سیاست سربازگیری او گردید که در مورد اخیر تنها و جنود هزاران مشمول فراری در سطح کشور که امروز رژیم از سر استیصال حتی مجازات اعدام برای آنان در نظر گرفته است مؤید این امر است و نشان میدهد که بواقع ذکر این مطلب از طرف ما که "کفگیر بسیج رژیم به ته دیگی

خورده است" بی‌مسما نبوده است و از آنجا که "تمایل توده ها بطرفداری از صلح اغلب بیانگر آغاز اعتراض، خشم و درک ماهیت ارتجاعی جنگی" میباشد میتوان با گسترش خواست پایان یافتن جنگی و برقراری صلح در سطح جامعه هر چه بهتر به ابعاد ناراضی و خشم توده ها از جنگی پی برد، خشم و نفرتی که بصورت اعتراض بر علیه جنگی در همه جا بچشم میخورد و گاه به خیابانها کشیده شده و در فریادهای آنان بر علیه جنگی منعکس میگردد. اموری که آشکار می‌کرد خواست صلح در تقابل با تاکیدات جمهوری اسلامی بر جنگی چگونه به خواست توده های میلیونی تبدیل شده و مبارزه برای تحقق آن هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. این واقعیت نمیتوانست موجب هراس و وحشت دشمنان خلقهای ما نگشته و لرزه بر اندامشان نیافکند و اتفاقاً هواداری بخشی از طبقه حاکمه از شعار آتش بس و صلح در زمینه ای که در بالا توضیح دادیم خود نشاندهند این واقعیت است که چگونه امثال بازرگانها و آیت الله هائی امثال مرعشی و گلپایگانی با درک شرایط جهت سوار شدن بر موج مبارزات توده ها در راستای منافع طبقاتی خود به طرفداری از برقراری صلح سخن

محسوب میشود.

به این ترتیب در حالیکه امپریالیستهای قبیل جنگی ارتجاعی ایران و عراق میلیاردها دلار سود برده و از آن، جهت فائق آمدن بر بحرانهای خود و در جهت پیشبرد سیاستهایشان در منطقه استفاده نمودند، در شرایط رشد بحرانهای اقتصادی در دو کشور و عواقب ناشی از آن و سرکشی شدن بیش از پیش آنان، تداوم این جنگی دیگر نه فقط نمیتواند کارآیی قبلی را داشته باشد بلکه باز منته سازنی برای گسترش انقلاب میتواند سلطه امپریالیستی را بسا خطرات هرچه جدیتری مواجه سازد. براین اساس اکنون منافع امپریالیستی حکم به تغییر سیاست امپریالیستی تداوم جنگی میدهد، جنگی باید قطع شود تا ضمن حفظ سلطه امپریالیستی روند دیگری جهت چپاول دسترنج توده های ستمدیده آغاز گردد. چرا که سیاست امپریالیستها در هر صورت سیاست اسارت خلقهاست. این روند جدید اکنون تحت عنوان بازسازی مناطق جنگی شروع شده و زمینه ای است که با توجه به وسعت خرابیها و ویرانیهای ناشی از جنگی سرمایه های امپریالیستی میتوانند هرچه گسترده تر در آن تحرك داشته باشند.

بدون شك در بررسی امر صلح در جنگی امپریالیستی ایران و عراق همچون تداوم ۸ ساله این جنگی باید به موضع شوروی در قبال این مسئله در شرایط کنونی توجه کرد. همانطور که تاکنون نشان داده ایم

جنگی ایران و عراق در توافق امپریالیستها با رویزیونیستهای شوروی برپاگشته و تداوم یافته است و اکنون باید دید آنان در مقابل خاتمه دادن به جنگی چه موضعی دارند. نگاهسی به رویدادهای چند در پهنه جهان پس از مذاکرات گورباچف و ریگان از جمله وقایع مربوط به آنکولاه، نایبیا، افغانستان، کامبوج و... نشان میدهد که در سطح جهان بر روی "مسائل منطقه ای" توافقاتی بین امریکا و شوروی صورت گرفته است در این مورد یکی از مقامات دولت امریکا اظهار کرده است "اگرچه برای حل اختلافات منطقه ای همکاری بسا شوروی استراتژی سنجیده ای نیست ولی نباید انکار کرد که امریکا و شوروی در کاهش دادن به بحران امروزی جهان منافع مشترکی دارند و ادامه همکاری بسا شوروی در جهت حل اختلافات منطقه ای یکی از راههای کاهش این بحران میباشد... و در همین زمینه یکی از مقامات شوروی گفته است "در شیوه تفکر جدید ما برای کاهش بحران جهان جدالهای منطقه ای باید از میان برداشته شوند و برای پیاده کردن چنین تفکری ما با امریکا همکاری میکنیم" (نقل از میامی-هرالد ۱۶/ می ۱۹۸۸) حال اگر توجه کنیم که در مذاکرات ریگان و گورباچف بنا به اذعان طرفین یکی از موارد مهم مورد مذاکره "مسائل منطقه ای" و در راس آن جنگی ایران و عراق

گفته و با "جسارت" به نامه نگاری میپردازند. بنا بر این آشکار میگردد که چگونه جنگی که ممکن بود در آغاز موقتا از حدت پاره ای از تضادها بکاهد، در تداوم خود موجب تشدید تضادها گشته و هر روز که میگذرد این تضادها را بسا شدت هرچه بیشتری در سطح جامعه منعکس میسازد و بالنتیجه جنگی که از جمله برای سرکوب انقلاب سازمان یافته بود میرفت که در روند خود با آماج فرار دادن سلطه امپریالیستی از طرف توده ها آتش انقلاب را هرچه بیشتر شعله ور سازد.

اگر و خاتمه اوضاع اقتصادی دو کشور در کیرونه کشیدن کیسه شان در طی جنگی موجب زمینه سازی جهت گسترش آن و چپاول هرچه بیشتر خلقهای عربستان و کویت گردید. امپریالیستها علاوه بر بهره برداریهایی که بسه آنها اشاره شده دستاویز جنگی در خلیج فارس و مورد تهدید قرار گرفتن کویت و عربستان از جانب جمهوری اسلامی موفق به عقد چنان قراردادهای نظامی عظیمی با دو کشور اخیر گردیدند که با توجه به ارقام میلیارد دلاری این قراردادها آنها را باید جزء بزرگترین قراردادهای امپریالیستها با کشورهای تحت سلطه به حساب آورد که خود یکی از بزرگترین خدمات رژیم حنایتکار جمهوری اسلامی و جنگی ایران و عراق به انحصارات امپریالیستی



با توطئه های مختلف که ممکن است امپریالیسم جهت فریب توده ها بوجود آورد مقابله کنیم. چه بسا که با توجه به تغییر سیاست امپریالیسم در رابطه بسا جنگ تحولاتی نیز در هیئت حاکمه بوجود آید و بهمانگونه که ما قبلا گفته بودیم اگر امپریالیستها بخواهند با جابجاش مهره هاموقعیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را تحکیم بخشند، باید برای وقوع احتمالی این چنین اموری آمادگی داشت و از آن در جهت نابودی رژیم سود جست. دشمنان ما امروز برای حفظ سلطه منحوس خویش به هر توطئه و جنایتی دست میبازند ولی در فردای روشن مبارزات خلقهای قهرمان ما برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر برای گذار به سوسیالیسم قرار دارد، باید با تمام نیرو برای رسیدن به این هدف مبارزه کنیم چسرا که پیروزی از آن خلقهاست.

که تا زمانیکه سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش در ایران پابرجاست سیاست حاکم همانا سیاست امپریالیستی خواهد بود و بالنتیجه هر زمان منافع آنان ایجاب کند باز هم کشور ما را درگیر جنگی خونین خواهند ساخت و تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بمثابه سگ زنجیری امپریالیسم و نابودی سلطه امپریالیسم در ایران میتوان به صلحی دمکراتیک و انقلابی دست یافت که تامین کننده کامل منافع خلقهای ما خواهد بود و صلح دمکراتیک یعنی صلح بدون الحاق، یعنی صلح بدون ستم به خلقها، یعنی صلح بدون غارتگری و بدون در برداشتن نطفه جنگهای جدید.

از اینرو باید با ایمان هر چه راسختر به نابودی محتوم تمام مرتجعین تاریخ؟ با انرژی هر چه زیادتیر مبارزه خود را در جهت سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی شدت بخشیم و در عین حال

قرار داشته است، مرتوانیسم دریا بیسم که برقراری آتش بس در جبهه های این جنگ از جمله موارد مورد توافق امریکا و شوروی بوده است و بنا بر این میتوان گفت امپریالیستها در پایان دادن به جنگ ایران و عراق همچون شروع آن در توافق با رویزیونیستها عمل کرده اند. خلاصه کنیم: جنگ امپریالیستی ایران و عراق با تمام فجایع خونباری که در طی ۸ سال ببار آورد و یکبار دیگر چهره کربه امپریالیسم را در انظار جهانیان بنمایش گذاشت، امروز با برقراری آتش بس در جبهه های آن در روند پایانی خود قرار گرفته است. در خاتمه دادن به این جنگی خونین توده های مبارز ایران با مقاومت قهرمانانه شان در مقابل سیاستهای ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و با مبارزات پیگیر خود بر علیه جنگ، نقش بسزائی ایفاء کرده اند که خود موفقیت بزرگی برای خلقهای ما میباشد با اینحال آنچه در فردای قطع کامل جنگی برقرار میشود صلحی دمکراتیک یعنی صلحی که تماما مبین منافع توده ها باشد نخواهد بود. خلقهای مبارز ما مسلما در طی ۸ سال جنگی با مصائبی که از سر گذرانده اند به تجارب گرانبھاشی دست یافته و آگاهی انقلابی خود را هر چه بیشتر ارتقاء داده اند آنها باید در پرتو این آگاهی و با نصب العین قرار دادن تجارب خویش بدانند

با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید با مکاتبه با نشریه رابطه هر چه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هوادارانانش متکی باشد.

کشتار زندانیان سیاسی

جلوه‌ای از یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب

از صفحه ۱

جنایتکار رژیم هر يك به شكلی سه صحنه آمده و خواستار "قاطعیت" هرچه بیشتر ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی بر علیه سازمانهای انقلابی و زندانیان سیاسی شدند. برای نمونه مقتدایش سفک عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی رژیم در يك مصاحبه مطبوعاتی ضمن تاکید بر اعمال فشار هرچه وسیعتر بر زندانیان سیاسی از کلیه دادگاهها و دادرهای رژیم خواست تنها در مبارزه بر علیه بااصلاح گروهکها با " قاطعیت" هرچه بیشتری عمل کنند.

پیام مقتدایش که از سوی اردبیلی و خامنه ای نیز تکرار گردید بار دیگر سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی در رابطه با خواستهای توده های ستمدیده را با وضوح تمام آشکار ساخته و نشان داد که این رژیم جز با زبان سرنیزه سخن نمیگوید و در مقابله با جنبش انقلابی خلقهای ما و سرکوب خونین انقلاب از هیچ جنایتی فرو گذاری نمی نماید و از آنجا که مفهوم " قاطعیت" در فرهنگ سرکوبگرانه این رژیم جز تشدید فشارها و دستگیریها و اعدامهای دیگری ندارد در عمل نیز این پیام شوم به موجی از دستگیریها و اعدامها در

سراسر کشور منجر گردید و در این رابطه بویژه زندانیان سیاسی ای که گاه سالها از محکومیت آنها می گذشت به فجیع ترین شکلی به میدانهای تیر فرستاده شدند.

در این رابطه تاکنون در شهرهای مختلف کشور از جمله در شهرهای همدان، تهران، اصفهان، کرمانشاه، گیلانغرب، مشهد، تبریز، کرج و سنجق تعداد زیادی از مبارزین و از جمله زندانیان سیاسی آزاد شده، دستگیر گردیده و بلافاصله زیر وحشیانه ترین شکنجه های ممکنه قرار گرفته و یا وحشیانه به جوخه های اعدام سپرده شده اند.

بر اساس گزارشات موجود رژیم در سیاهچالهای اویسن، کوهردت، کمیته، قزل حساره، دبزل آباد، کرمانشاه، عادل آباد شیراز و وکیل آباد مشهد ضمن قطع ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده هایشان به اذیت و آزار آنها پرداخته و عده ای از زندانیان مزبور را اعدام نموده است. در ادامه همین روند رژیم جنایتکار ضمن تشدید تضییقات بسیار، تعدادی از زندانیان سیاسی را به سلولهای انفرادی برده و ضمن گرفتن وصیت نامه از آنها، قصد تیربارانشان را دارد.

تعدادی از وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب فدائیان سیاسی و کشتار زندانیان سیاسی آنها پس از عقب نشینی مقتضانه این رژیم از جبهه های جنگ امپریالیستی و چشم پوشی از شعارها و اهداف ادعاش اش در جنگی که در ۸ ساله اخیر صدها هزار تن از جوانان کشور در مسلخ های آن برای بااصلاح متفلسق آن اهداف قربانی شدند، بروشنی بیانگر این واقعیت است که یکی از دلایل مهم امپریالیستها در اعمال آتش بس در جنگ ایران و عراق رشد نفرت و اعتراض توده ای از این جنگ و هراس و وحشت امپریالیستها و نوکرانشان از اوج گیری مبارزات توده ها بوده است بر این مبنا جای تعجب نیست که رژیم منحوس که هنوز عریده های " جنگ جنگ ناپیروزی " او در همه جا طنین افکن بود با دستپاچگی و با وضع ذلت باری تن به پذیرش آتش بس داد.

اوج گیری نفرت و انزجار توده ای و رشد اعتراضات مردمی از جنگ امپریالیستی ایران و عراق و جمهوری اسلامی و تشدید تضادهای درونی رژیم او را در آنچنان موقعیت وخیمی قرار داده است که این مزدوران ضمن



عجز و لابه در مقابله اربابان امپریالیستان و ضمن پدیرش آتش بس برای حفظ و بقای رژیم ننگینشان مجبور به نمایش "قاطعیت" خود گشته و به چنین تعرضی گسترده به صفوف انقلاب متوسل گردیده اند.

از آنجاکه رابطه منطقی ای بین سرکوب و کشتار زحمتکشان و پیشاهنگانشان توسط رژیم و ابعاد گسترش اعتراضات عمومی و سطح مبارزات توده ها وجود دارد و از آنجا که هر چه رژیم های ضد خلقی بیشتر احساس خطر نمایند بسا توحش و بربریت بیشتری به انقلاب یورش می برند و در نتیجه تعرض گسترده کنونی خود بروشنی گواه ابعاد مقاومت و اعتراضات توده ای در کشور بوده و این جنایات در حالیکه خشم و نفرت هر انسان آزاده ای را بر می انگیزد در همان حال مقاومت حماسی خلقهای ما و فرزندان انقلابی در مقابل یکی از وحشیانه ترین و منظم ترین سرکوب های طول تاریخ را در مقابل جهانیان قرار میدهد.

اگر پس از ۲۰ خرداد سال ۶۰ رژیم وابسته بامپریالیزم جمهوری اسلامی برای غلبه بر جنبش انقلابی خلقهای ما به آن یورش همه جانبه و به آن کشتار سبعانه متوسل گردید و حتی مریایست جنایات خود را علنا به نمایش بگذارد، هم اکنون نیز که این رژیم به برپا کردن چوبه های دار در میادین شهرها

روی آورده و پس از چند سال سکوت، اعدامهای ددمنشانه خود را رسماً اعلام میکند بروشنی میتوان دریافت که رژیم در چه اوضاع بحرانی ای قرار گرفته و با چه اعتراض وسیع مردمی روبروست که برای ایجاد فضای رعب و وحشت باید این چنین جنایات خود را به نمایش بگذارد. و حدود هزار زندانی سیاسی را در سیاهچالهای خود در گوشه و کنار کشور به خاک و خون بکشانند. واقعیت اینست که "قاطعیت" رژیم دقیقاً انعکاسی از وحشت او از نفرت و انزجار و اعتراض میلیونها زحمتکش است که در هر گوشه این سرزمین در انتظار نابودی جمهوری اسلامی بسر میبرند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در سازمان دادن این تعرض وحشیانه و توسل به این جنایات بی شرمانه در جهت حفظ بقای خود در ضمن بسا همه انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران زالوصفت نیز نشان میدهد که همچون گذشته آماده است در جهت منافع آنها یعنی برقراری "ثبات و آرامش" به هر وسیله ای متوسل گردد. چرا که با پذیرش آتش بس و آغاز مذاکرات برای برقراری صلح انحصارات رنگارنگی امپریالیستی به تکاپو افتاده اند تا تحت عنوان بازسازی مناطق جنگی و غیره از استثمار و غارت بی حساب توده های ستم دیده ما سهم هر چه بیشتری نصیب خود ساخته و از این نمذ کلاه هر چه

بزرگتری برای خود بدوزند. اگر تا دیروز رژیم در اجرای سیاست امپریالیزم بر طبل جنگ می کوبید و میلیاردها دلار ثروت این کشور را برای تامین تسلیحات مورد نیاز ماشین جنگی بسا جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می نمود حال نیز باید در چهار چوب تامین همگان مصالح و منافع امپریالیستی با پذیرش آتش بس و ریسر پرچم "بازسازی" میلیاردها دلار دیگر از ثمره استثمار و غارت زحمتکشان را به جیب اربابان خود جاری سازد، اما یکی از الزامات این امر بدون تردید وجود "ثبات و امنیت" مورد نیاز سرمایه داران زالوصفت میباشد.

پس باید عقب نشینی در جبهه ها با تعرض هر چه وسیعتری بسا انقلاب توام گردد تا به اعتبار کشتار صدها کمونیست و مبارز شرایط مورد نظر اربابان جمهوری اسلامی مهیا گردد و حال است که امپریالیستهای این زمیسه روشن سخن میگویند. برای نمونه صدای امریکا در نهم شهریور اعلام کرد: "ثبات سیاسی در ایران برای تلاشهای باز سازی در آن کشور حائز اهمیت است فوق العاده ای است" و یا از قول یکی از کارشناسان مسائل خاورمیانه همین رادیو میگوید: "اگر جمهوری اسلامی نتواند امنیت خارجی ها را در ایران تضمین کند کمتر کسی برای سرمایه گذاری



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

مقابلت تعرضات وحشیانه امپریالیستها و سگان زنجیریشان می باشد در همان حال وظیفه ای انقلابی در مقابل هر انسان آزاده ای قرار میدهد که همانا تشدید و گسترش مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی در جهت سرنگونی رژیمی است که چنین به زبان سرنیزه سخن میگوید و بروشنی نشان داده که تنها راه نابودی قطععی او و اربابانسان امپریالیستش و تنها راه رسیدن خلقهای در زنجیر ما به آزادی همانا مبارزه مسلحانه می باشد.

و ادعاهای گوناگون در این زمینه و چه پذیرش آتش بس و جار و جنجال در باره "بازسازی" همه و همه در چهار چوب تامین منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته ای است که از قبل غارت و استثمارکارگران و توده های ستمدیده ما به زندگی انگلی خود ادامه داده و هر روز بسه سرمایه های خویش می افزایند.

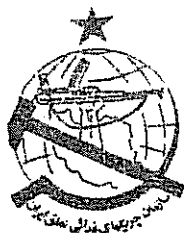
جایات اخیر رژیم چه در سطح جامع و چه در سیاهچالهایش اگر نشاندهنده مقاومت حاسی خلقهای ما در

و یا کار به ایران خواهد رفت." با توجه به این واقعیت میتوان بسار دیگر رژیم باصطلاح ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را در حال اجرای سیاستهای امپریالیزم نشان داد و بروشنی دستان خون آلود امپریالیستها که از آستین جمهوری اسلامی بیرون آمده و وحشیانه به کشتار مردم ما دست زده است را افشاء نمود و رابطه عقب نشینی در جبهه ها با تعرض به انقلاب را برای توده ها بطور واقعی تشریح کرده و تاکید نمود که جمهوری اسلامی بسرای تامین خواستهای اربابان خمبود یعنی برقراری "ثبات و امنیت" که لازمه سرمایه گذاریهای گوناگون است چنین به کشتار توده ها متوسط و جتنه و وحشیانه کمونیستها و مبارزین در بند را به جوخه های اعدام می سیارد تا بسا سرکوب اعتراضات و جنبش توده ها و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه شرایط را برای پیاول اربابان خود هر چه بیشتر مهیا سازد.

نمایش خونین اخبار همچون تمامی عملکردهای حیات ننگین این رژیم بروشنی نشان میدهد که این رژیم جز در جهت منافع امپریالیستها کدام برنداشته و جز مجری حلقه بگوش آنها نمی باشد و چه پیشبرد جنگی



پیش بسوی تشکیل ارتش خلق



پیرامون تغییر و تحولات اخیر در جنگ ایران و عراق

خلقهای قهرمان ایران!

سرانجام پس از ۸ سال تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق، جنگی که صدها هزار انسان بیگناه قربانی فجایع خونین آن گردیدند، رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی رسماً قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با اعلام آتش بس برای برقراری صلح را پذیرفت.

این امر چه به اعتبار اهمیت برجسته ای که جنگ ایران و عراق در منطقه و جهان کسب کرده، جنگی که اساساً مصالح منطقه ای و جهانی امپریالیسم را منعکس می نمود و چه به اعتبار سالها تاکید جمهوری اسلامی بر تداوم جنگی با سرنگونی دولت عراق و نعره های گوش خراش مبنی بر "جنگ، جنگ، تا پیروزی"، در مرکز توجه جهانیان قرار گرفت و از آنجا که در سالهای اخیر این جنگ نقش بس مهمی در اوضاع منطقه و بالطبع در زندگی توده ها داشت، مورد توجه ویژه توده های ستمدیده در دو کشور نیز واقع گشته است.

اما درك علل و انگیزه های اتخاذ این تصمیم و نتایج حاصله از آن بدون درك ماهیت امپریالیستی این جنگ و سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها و شرایطی که این رژیم دامنش در آن قرار گرفته است امکان پذیر نبوده و کارگران و توده های ستمدیده ما برای شناخت هرچه دقیقتر اوضاع و درك سیر محتمل رویدادها باید این امر را در چهار چوب فوق مورد توجه و بررسی قرار دهند تا بتوانند درك هرچه روشن تری از سیر رویدادها بدست آورند.

واقعیت اینست که جنگ ایران و عراق گرچه جنگ امپریالیستها نمیباشد، اما جنگی امپریالیستی است که در توافق فی مابین امپریالیستها و رویزیونیستها به مدت طولانی تداوم یافته و امکانات بس بزرگی برای غلبه بررکود اقتصادی نظام جهانی سرمایه داری در اختیار امپریالیستها قرار داده است و آنها در همان حال با میلیتاریزه کردن منطقه آمادگی خود را در سرکوب انقلاب خلقها قزونی بخشیده و ارتش های معنی را به وزنه های هرچه بزرگتری در سیاست داخلی کشورهای منطقه تبدیل نموده اند.

جنگ ایران و عراق در شرایطی آغازشده که بحرانی بزرگ دامنگیر نظام جهانی امپریالیستی گردیده بود و امپریالیستها برای فائق آمدن بر این

بحران و غارت هرچه بیشتر خلقهای ستمدیده بر اساس سیاست همیشگی خود بار اصلی این بحران را بردوش کشورهای تحت سلطه سرشکن نموده و بالنتیجه ایران و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه هرچه بیشتر در معرض نتایج مرگبار آن قرار داشتند و در پی آن نیز بحران انقلابی منطقه خاورمیانه را فراگرفته بود. بر این اساس صدای اعتراض خلقهای ستمدیده منطقه با توجه به شرایط زندگی فلاکت بار خویش بر علیه وضع موجود روز به روز فزونی یافته و مبارزات ضد امپریالیستی آنها هر روز از گسترش بیشتری برخوردار میگشت. در نتیجه از آنجا که مصالح امپریالیستها ایجاد میکرد خلقهای ستمدیده سرکوب شوند به این منظور لازم بود حضور امپریالیستها و رویزیونیستها در منطقه مستقیم تر و فعالتر از قبل گردد. و سنا به مجموعه این دلایل جنگ ایران و عراق بر علیه منافع خلقها سازمان داده شد. این جنگ ضمن نامین منافع امپریالیستها و رویزیونیستها در همان حال در صحنه داخلی نیز کاربردهای ویژه خود را دارا بود برای نمونه زیر پوشش جنگ بورژوازی وابسته بوروکرات ایران حوزه های هرچه بیشتری از تولید و مبادله را به زیر سیطره خود درآورد و هر صدای اعتراضی را به بهانه شرایط جنگی در کشور وحشیانه سرکوب نمود و دستگاه سرکوب جهنمی خود را بطور بیسابقه ای رشد و گسترش داد. فواید جنگ برای امپریالیستها و نوکران داخلیشان بقدری بود که خمینی مزدور از سرشعف و شادی وقیحانه در همان آغاز جنگ آنها برکت الهی توصیف نمود. اگر امپریالیستها به بهانه این جنگ سیل سلاحهای مرگبار خود را به منطقه جاری ساخته و خاورمیانه را به دژی نظامی تبدیل کردند و اگر انحصارات بین المللی از برکت هر تاکتیک اتخاذ شده در این جنگ سودی بردند در همان حال جمهوری اسلامی نیز با استفاده از شرایط جنگی به سرکوبی مبارزات حق طلبانه خلقهای قهرمان میهنمان که مردم فزونی مییافت و بیش از پیش موجودیت منحوس این رژیم و نظام سرمایه داری وابسته ایران را به خطر می افکند پرداخته و تمامی مسائل جامعه را تحت الشعاع جنگ قرار داد و به بهانه آن صدها هزار تن از زحمتکشان میهنمان که در شرایط بحران حاکم می بایست صفوف انقلاب را گسترده تر نمایند، قربانی نامین منافع امپریالیستها در میدانهای خونبار این جنگ شدند. امری که در حد خود سد رشد مبارزات توده ها گشته و به مختنق کشتن انقلاب ایران یاری رساند و به همین دلیل نیز باید یکی از دلایل سازمان دادن این جنگ را جلوگیری از فروپاشی نظام حاکم بر ایران دانست.

خلقهای مبارز ما طی سالیان گذشته بعینه نتایج و آثار شوم این سیاست محیلانه بورژوازی امپریالیستی را در هر لحظه زندگی پر درد و رنجشان لمس کرده و با مشاهده تاکتیکهای وحشیانه بکار برده شده در این جنگ همچون استفاده از امواج انسانی به جنگ شهرها، استفاده از کودکان برای خشن میادین مین، موشک باران شهرها و مناطق مسکونی و جنگ

نفت کشها، هر چه بیشتر به ماهیت ضد خلقی و غیر عادلانه این جنگی خانمانسوز آگاهی یافتند.

اما از آنجا که هر پدیده عناصر متضاد خود را در بطن خود بارور میسازد. بر این اساس جنگی ایران و عراق نیز که امپریالیستها آنرا در یک جنبه خود در جهت جلوگیری از رشد مبارزات توده ها و سرکوب آنها سازمان داده بودند، در روند خود بتدریج عناصر مخالف خود را رشد و گسترش داد و خود به عمده ترین عامل اعتراض و مبارزه توده ها و تشدید نفرت و انزجار عمومی از جنگی و از جمهوری اسلامی تبدیل گشت. خواست پایان یافتن هر چه سریعتر جنگی خواست توده های میلیونی گردید، بطوریکه رژیم علیرغم دستگاه سرکوب عریض و طویل اش هرگز موفق نشد از مبارزات و اعتراضات توده ها و حتی بر پائی تظاهرات اعتراضی در این رابطه جلوگیری نماید. بطوریکه در چند ماهه اخیر رشد مبارزات توده ای بر علیه جنگی بچنان حدی رسید که در چند شهر بزرگ میهن تحت سلطه مان در زیر سرنیزه دشمن خیابانها صحنه تظاهرات و نمایش خشم و کینه بیحد مردم بر علیه جنگی گردید. و این موج جدید علاوه بر تمامی مقاومتهای کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان توده ها بوده که در سطحی هر چه گسترده تر بر علیه جنگی امپریالیستی ایران و عراق ادامه داشته است مقاومت بر علیه سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری رژیم باعث آن شد که بواقع کفگیر بسیج جمهوری اسلامی به ته دیگ بخورد و ترس و وحشتی بیحد بر امپریالیستها و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی مستولی گردد.

بربستر چنان مبارزات قهرمانانه و با توجه به انعکاس تضادهای دائم التزاید امپریالیست ها در ایران، تضادهای درونی رژیم نیز شدت هر چه بیشتری یافت. این تضادها که زمانی بصورت طعنه و کنایه در روزنامه ها و مصاحبه ها منعکس میشد در روند خود به تصفیه های خشونت بار درونی و حتی به زدوخوردهای خیابانی تبدیل گردید. و چنان حدت و شدتی بخود گرفت که در تمامی عرصه های اجتماعی خود را نشان داده و به آنجا رسید که دیگر نمایح باصطلاح پدران "امام امت" نیز چاره ساز لاپوشانی و تخفیف آنها نبود اگر خمینی جنایتکار قبلا سبیل وحدت وانسجام درونی جناحهای مختلف این رژیم بود حال با به نمایش در آمدن عدم تواناش او در کاستن از شدت تضادها حتی خود وی نیز از تعرض جناحهای مخالف در امان نماند، و مخالفین با ابراز این امر که در مذهب شیعه مراجع تقلید متفاوتی وجود دارد بواقع عدم تبعیت خود بعنوان بخشی از بورژوازی وابسته ایران را از خمینی آشکار ساخته و معلوم نمودند که تضادهای درونی رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی وسعت و عمق بیش از حدی به خود گرفته است تضادهاش آنچنان وسیع و عمیق که باعث بن بست مجلس ضد خلقی شورای اسلامی در امر قانون گذاری کشته و کار بجاش رسیده که قوه مجریه مدتها در اجرای وظایف ضد انقلابی خویش در حوزه هاش از

کار بلا تکلیف میماند. آنچه روند این تعمیق و وسعت گیری تضادهای درونی رژیم بیانگر آنست و نشانه های موجود را می توان گواه بر آن گرفت، قرار گرفتن رژیم در یکی از بدترین شرایط استیصال خویش است. از طرف دیگر شدت یابایی تضادهای درونی دشمن در این روند بدون شک تاثیر خود را در رشد شتابان تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد خلق های تحت ستم ما با امپریالیسم و سکان زنجیریش و تعمیق هر چه بیشتر این تضاد بجای گذاشته و پوسته حاکمیت بورژوازی وابسته را شکننده تر از پیش ساخته است. بدون شک اگر دیکتاتوری و قهر ضدانقلابی، آنهم در ابعادی وسیع و بسیار سبعانه ای که امروز در میهن ما اعمال می شود سدی بزرگ در مقابل خیزش گسترده انقلابی توده ها است ولی بی شک این سد در روند شتابان تضاد خلق و امپریالیسم دیسر یا زود شکسته خواهد شد و در این صورت رشد مبارزات توده ها هر آن ممکنست به سیلی بنیان کن تبدیل گردد که طومار عمر ننگین امپریالیسم و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی را در هم بیچد. پس چاره اندیش برای دشمن اجتناب ناپذیر گشته است.

در بطن چنین شرایطی بود که بناگاه جنگ امپریالیستی ایران و عراق که در وسعتی بیسابقه در سه جبهه، زمینی، هوایی و دریایی، با شدت هر چه تمام جریان داشت، روند دیگری بخود گرفت و طی چند ماه سریعاً تغییر و تحولاتی در آن بوقوع پیوست. این تغییر روند با بازپس گیری مناطقی از خاک عراق که قبلاً به تصرف نیروهای جمهوری اسلامی در آمده بود از طرف دولت عراق آغاز گشت و طی مدت کوتاهی نقاط مهمی همچون بندر فاو، شلمچه، جزایر مجنون و ارتفاعات استراتژیک در شمال و جنوب جبهه های جنگ از تصرف نیروهای جمهوری اسلامی خارج شد. جابجائی نیروهای درگیر در این مناطق که طی سالهای قبل جنگ به قیمت قربانی شدن صدها هزار تن از جوانان کشورمان به تصرف رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در آمده بود در مدت کوتاهی به انجام خود رسید (مثلاً اگر رژیم ایران بسرای تصرف شلمچه ۴۵۰۰۰ نفر را قربانی ساخته بود، حال در عرض ۸ ساعت از آنجا عقب مینشست و شهر فاو که طی ۱۴ روز جنگ سخت بدست ایران افتاده بود، بازپس گیریش از طرف عراق ۱۴ ساعت بیشتر طول نکشید). و طرفین جنگ به سرعت در دوسوی مرزهای بین المللی آرایش جدیدی به نیروهای خود دادند و بالاخره در حالیکه هنوز مرکب تصویب نامه لایحه "تداوم جنگ تا نیل به پیروزی" از سوی اکثریت مجلس ضد خلقی شورای اسلامی خشک نشده و کماکان عریده های "جنگ، جنگ تا پیروزی" بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی در گوشها طنین انداز بود، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و آتش پس در جنگ مورد پذیرش سران ضد خلقی جمهوری اسلامی واقع گشت. و خمینی جلاد این سبیل تمامی جنایت ها و دناوت و پستی های جنگ امپریالیستی ایران و عراق مذبحخانه مجبور شد ضمن اعلام امر فوق آنرا همچون نوشیدن زهر هلاهل برای خویش توصیف کند.

این تغییر و تحولات سریع در جنگ، این تغییر ناکهانی در سیاست حاکم بر جنگ موجب ایجاد چنان شرایطی شده است که در حالیکه عده ای از سران رژیم هنوز از ضرورت ادامه جنگ صحبت میکنند عده ای دیگر و در راس آنها خمینی از قطع جنگ دم می زنند و برای رفع شبهه مکررا اعلام میکنند که بواقع آتش بس را قبول کرده اند و این يك امر صرفا تاکتیکی نیست. و در این میان توده هائی که سالها در آرزوی قطع جنگ و البته دستیابی به صلح دمکراتیک و انقلابی بوده اند با ناباوری، سخنان دشمنان خود را از مدنظر میگذرانند.

چرا آتش بس و قطع جنگ امپریالیستی ایران و عراق؟ آیا ملزوماتی که موجب این جنگ بوده اند اکنون دیگر از بین رفته اند؟ آیا سیاست امپریالیستی که جنگ ایران و عراق در ادامه آن بوجود آمد اکنون دیگر تغییر یافته است و اگر آری بر کدام زمینه مادی و دلایل این امر چیست؟ واقعیت اینست که نه بحران امپریالیستی بعنوان اصلی ترین الزام جنگ فروکش کرده و نه سرکوب انقلاب خلقهای منطقه که اکنون با چشم اندازهای هر چه روشن تری مطرح است دیگر ضرورت خود را برای امپریالیست ها از دست داده است و بالنتیجه از این لحاظ تداوم جنگ با سودهای سرشار خود در رابطه با امور فوق، خواست اصلی و واقعی امپریالیست هاست. ولی اگر برپاشی جنگ ایران و عراق اساسا "بخاطر تامین منافع امپریالیست ها وایضا رویزیونیست ها بوده است، پس تمام مساله بر سرشناخت و بررسی آن عوامل و فاکتورهای است که قادرند نقش موثر در چگونگی روند جنگ و ضرورت تداوم و یا عدم تداوم آن ایفا نموده و امپریالیست ها در رابطه با تامین منافع اساسی و استراتژیک خویش مجبور به احتساب آن عوامل و فاکتورها میباشند. و درست با تکیه بر این خصوصیت امپریالیستی جنگ ایران و عراق است که مبارها اعلام داشته ایم که در صورت بخطر افتادن منافع امپریالیست ها در این جنگ علیرغم همه هیاهوهای رژیم جمهوری اسلامی آنها یکروز هم در قطع جنگ تردید نخواهند کرد. بنا بر این در چنین صورتی قطع جنگ ایران و عراق علیرغم پسا بر جا ماندن یکسری از الزاماتی که موجب آغاز و تداوم این جنگ بوده اند از نقطه نظر منافع استراتژیک امپریالیسم بهیچوجه نباید امری غیر مترقبه تلقی شود.

امروز با قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و پذیرش آتش بس از طرف سران رژیم جمهوری اسلامی جنگ ارتجاعی ایران و عراق در روند دیگری قرار گرفته است. یکی از مهمترین عواملی که موجب چنین وضعی گشته همانطور که پیشتر توضیح دادیم موقعیت و شرایطی است که جامعه ما امروز در آن قرار گرفته است، موقعیت و شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی را در چنبره تضادهای درونی خویش فلج نموده و انسجام و یکپارچگی آنرا به ورطه فروپاشی کشانده است. بدون شك رشد تضادهای امپریالیست ها آنطور که مثلا امروز در جریان انتخابات ریاست جمهور امریکا شاهد آنیم و انعکاس آن

در جامعه وابسته ما در بوجود آمدن چنین وضعی تاثیر خاص خود را داشته است ولی آنچه مسلم است اینست که برای امپریالیست ها ادامه جنگ با حکومتی در چنین موقعیت وخیم امکان پذیر نیست .

خلقهای مبارز ایران !

جنگ امپریالیستی ایران و عراق با کارنامه ۸ ساله مملو از جنایات کثیف خود که توسط امپریالیست ها با همیاری رویزیونیست ها در جهت سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی شما و تامین منافع غارتگرانه امپریالیست ها و نوکرانشان سازمان داده شده بود ، امروز با قبول آتش بس از طرف سران جمهوری اسلامی در روند جدیدی قرار گرفته است . اگر بپذیریم که بحران عمومی اقتصادی دامنگیر امپریالیسم نه تنها تخفیف نیافته بلکه شدت بیشتری نیز گرفته است اگر به این حقیقت واقف باشیم که بحران سیاسی - انقلابی در منطقه نه تنها فروکش نکرده بلکه چشم انداز تعمیق و رشد هر چه بیشتر آن در مقابل خلقهای تحت ستم قرار دارد و اگر علیرغم همه اینها رژیم منفور و وابسته بسامه امپریالیسم جمهوری اسلامی بعنوان مجری سیاستهای امپریالیسم در منطقه بدلیل موقعیت نکبت بار خویش اعلام آتش بس در جنگ ایران و عراق نموده است این جز به معنی قرار داشتن امپریالیست ها بمثابه دشمنان اصلی ما در اوضاع بسیار وخیم و بحرانی نمی باشد . اوضاعی که مقاومت گسترده توده های رنج کشیده ما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی بمثابه سگ زنجیری امپریالیسم و رشد مبارزات شان ، در ایجاد آن نقش بسزایی داشته است و باین ترتیب بار دیگر آشکار میگردد که امپریالیسم در حال احتضار در آنچنان اوضاعی قرار گرفته است که به هر تاکتیکی که برای درمان یکی از دردهایش متوسل میشود ، دردهای دیگری را در وجود پوسیده اش ایجاد میکند .

بی تردید خواست قطع جنگ ارتجاعی ایران و عراق یکی از مهمترین و اصلی ترین خواستهای خلقهای ستمدیده ما در چند ساله اخیر بوده است ولی توده های مبارز ما باید بدانند که این خواست حتی اگر در سیر محتمل رویدادها قطعیت یابد تنها به مفهوم تمرکز تمامی امکانات جمهوری اسلامی در راه سرکوب گسترده تر آن جنگ انقلابی است که خلقهای ستمدیده ما سالهاست بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش به آن متوسل گشته اند و از آنجا که سرنوشت مبارزه خلقهای ما نه در میدانهای جنگ ایران و عراق و نه در بند و بستهایی که برای قطع این جنگ در جریان است بلکه در جریان انقلاب ظفرنمون خلقهای ایران تعیین میگردد . پس باید هر چه بیشتر در رشد و گسترش جنگ انقلابی توده های ستمدیده برای نابودی سلطه امپریالیسم و رژیم مزدورش جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق اقدام نمود و براین اساس وظیفه نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز است که همچنان به مبارزه و مقاومت خود در مقابل دشمنان خویش ادامه

جمهوری اسلامی در وحشت از جنبش خلق کرد

از صفحه ۵۰

کسسه دزدان و کودنه بگیران کسانی جز سردمداران کثیف و مزدور این رژیم نبوده و پیشمرکان خلق کرد انقلابیونی هستند که برای رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت خلق خویش سلاح برگرفته و بی‌محابا با دشمن می‌جنگند. آنها دریافته اند که تبلیغات مزدوران جمهوری اسلامی مبنی بر وابستگی این انقلابیون به استکبار جهانی جز وسیله ای برای لاپوشانی وابستگی خود رژیم به امپریالیستها نمیباشد امری که دیگر بر کس پوشیده نمانده است چرا که کوس رسوائی روابط جمهوری اسلامی با امریکا و اسرائیل و غیره دیگر در هر کوی و برزن زده شده است.

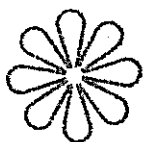
تاکید جمهوری اسلامی بر سرکوب و دندان نشان دادنهای بیشرمانه اش در همان حال پیامی است به همه آنهاش که هنوز هم به مذاکره با این رژیم ددمنش دلبسته و خوش خیالانه در انتظار کسب خودمختاری در چهارچوب جمهوری اسلامی می‌باشند. خیال باطلی که تنها خام اندیشان و سازشکاران صدها بار سربه سنگ خورده بازهم میتوانند به آن دل ببندند چرا که جمهوری اسلامی جز با کلوله سخن نمیگوید و نیروهای انقلابی و توده های ستمدیده نیز تنها در "میدان رزم" به اویساج خواهند داد.

آنها دیگر در کردستان حضوری ندارند. اما اگر پیشمرکان کردستان نابود شده و یا همگی به این سوی مرزها عقب نشسته بودند پس دیگر چه نیازی به پاسخ دادن به آنها در "میدان رزم" وجود دارد و دیگر چه احتیاجی به اطلاعیه صادر کردن و از مردم عدم همکاری با پیشمرکان را خواستن و آنها را تهدید نمودن وجود دارد. و آیا همین واقعیت کذب ادعاها و شعارهای جمهوری اسلامی و تناقض تبلیغات او را آشکار نمیسازد و آیا همین تهدیدات و اطلاعیه های گذاشتی بروشنی بیانگر حمایت وسیع توده های ستمدیده کردستان از پیشمرکان خود نیست؟

سردمداران مزدور جمهوری اسلامی که به هر وسیله ای برای غارت و چپاول توده ها متوسل میشوند و دزدیهای میلیونی آنها زبانزد عام و خاص گشته است با لجن پراکنی بر علیه فرزندان دلیر کردستان آنها را غارتگر و دزد گردنه بگیر خطاب نموده و احمقانه فکر میکنند این تبلیغات در خارج از کردستان احتمالاً گیرائی خواهد داشت درحالیکه خلقهای ما در دهسال زندگی زیر حاکمیت ددمنشانه جمهوری اسلامی بدرستی دریافته اند

خواسته شده است که از هرگونه کمکی به پیشمرکان خلق کرد که در این اطلاعیه، بیشرمانه عده ای گردنه بگیر و غارتگر نامیده شده اند خودداری کرده و به هیچ وجه غذا و پناهگاه در اختیارشان قرار ندهند. بر اساس تهدیدات دادستانی آذربایجان غربی کسانی که به پیشمرکان کمک نمایند مفسد فی الارض تلقی شده و به اشد مجازات محکوم میگرددند. و در ادامه این دندان نشان دادنهای احمقانه، حجت الاسلام عدالتی در دومین گردهم آیی فسمتهای آموزش عقیدت سیاسی و تبلیغات واحد بسیج مستضعفان سپاه ضد خلقی در شهر سنندج، پیرامون تعرضات انقلابی و فعالیتهای پیشمرکان قهرمانان کردستان گفت: "تحریکات گروهکها و استکبار در منطقه را فقط در میدان رزم میتوان پاسخ داد".

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شرایطی به تدارک سرکوب و وسیعتر جنبش خلق کرد پرداخته و دم از نابودی پیشمرکان کردستان در میدانهای رزم میزند که پیش از این بارها اعلام کرده بود پیشمرکان را نابود ساخته و یا





اعدام "پیشمرگه" خلق کرد توسط حزب دمکرات کردستان ایران محکوم است!

خلقهای قهرمان ایران!

در شرایطی که الزامات مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اتحاد عمل گسترده نیروهای مبارز را میطلبد و در شرایطی که سیر رویدادها در ده سال اخیر بروشنی ثابت کرده است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همواره از پراکندگی و تفرقه در صفوف نیروهای سیاسی در جهت سرکوب جنبش انقلابی خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق کرد استفاده نسوده است و در حالیکه خلقهای ما بدرستی خواهان پایان بخشیدن به این پراکندگی بوده و این خواست انقلابی را به اشکال مختلف بیان مینمایند؛ متأسفانه حزب دمکرات کردستان ایران در مسیر دیگری راه میپیماید و نه تنها در راه وحدت و اتحاد نیروهای مبارز گام بر نمیدارد، بلکه از آن بدتر لجام کسیخته در "کوره راه" تفرقه و نفاق گام زده و با توسل به بیشزمانه ترین اقدامات، این سیاست غیرانقلابی را به نمایش میگذارد.

بیش از ۲ سال تداوم درگیری با کومه له و عدم پذیرش آتش بس کافی نبود که حال حزب دمکرات پس از انشعابی که در فروردین ماه در درون آن رخ داد به جناح انشعابی خود اعلان جنگ داده و اخیراً پس از به اسارت گرفتن یکی از پیشمرگان جناح انشعابی یعنی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی به اعدام وی مبادرت نموده است.

اعدام کاک حسن اسلامی یکی از پیشمرگان جناح انشعابی حزب دمکرات کردستان ایران در ۴ شهریور ماه بوسیله حزب دمکرات اقدام جنایتکارانه ای است که هرگز از سوی خلقهای ما و نیروهای انقلابی فراموش نخواهد شد امری که نشان میدهد چگونه این حزب با بی مسئولیتی تمام بر طبل تفرقه و درگیری در درون جنبش کوبیده و در این راه حتی از اعدام پیشمرگه نیز کوتاهی نمیزورد. همچنین در اینجا باید به اقدام جنگ طلبانه اخیر حزب دمکرات در رابطه با کمین گذاری بر علیه نیروهای کومه له در منطقه "ژاورود" سنندج بتاريخ ۱۲ / ۵ / ۷۷ تاکید نمود که منجر به شهادت ۲ پیشمرگه کومه له گردید.

رهبری حزب دمکرات با توسل به چنین اقداماتی در رابطه با نیروهای

درون صف خلق و بخصوص با اعدام پیشمرگه، بعنوان يك رزمنده در جنبش خلق کرد، بروشنی ماهیت همه ادعاهای کاذب دمکراتیک خود را آشکار ساخته و رسوایی دیگری بر رسوایی های گذشته خود مافزاید، آنهم در شرایطی که پاسداران و جاشهار اسرای جمهوری اسلامی را آزاد کرده و این امر را جلوه ای از دمکراتیزم خود بروز میدهد.

اعدام کاک حسن اسلامی و کمین گذاری برای نیروهای کومه له و به شهادت رساندن ۲ پیشمرگه این سازمان در شرایطی که با اعلام آتش بس در جنگ ایران و عراق، جنبش خلق کرد در یکی از حساسترین شرایط مبارزاتی خود بسر میبرد، در حالیکه دستان خون آلود این رهبری را در مقابل توده ها بار دیگر بنمایش میگذارد، بیانگر عدم احساس مسئولیت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران در قبال جنبش انقلابی خلقهای ما میباشد. بیشک اقدامات رسوای این حزب تنها باخشم و نفرت تمامی نیروهای مبارز و توده های ستمدیده چه در کردستان و چه در سراسر ایران مواجه خواهد گردید.

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

شهریور ۶۷

کاهش تولید در ایران، خودرو جلوه‌ای از بحران نظام سرمایه‌داری وابسته

از ۱۴۵,۶۵۷ در سال ۵۷ به ۸۷۱۲۰ در سال ۶۲ رسیده یعنی کاهش در حدود ۷۰٪ و تعداد کارگران از ۱۲۲۰۰ نفر به ۶۵۰۰ نفر تنزل یافته است حال با توجه به اینکه این ارقام مربوط به سالهای ۶۲-۵۷ میباشد و بحران از سال ۶۲ تا کنون بمراتب شدت یافته میتواند به ابعاد اخراجهای کارگری در جمهوری اسلامی و شدت رکود اقتصادی بهتر پی برد.

نیز این آمار قابل توجه بوده و بروشنی ابعاد بحران دامنگیر نظام سرمایه داری وابسته ایران را آشکار ساخته و نشان میدهد که رکود حاکم بر اقتصاد کشور چه تاثیرات مخربی بر شرایط زندگی و کار کارگران ما داشته است و بورژوازی وابسته چگونه برای مقابله با این رکود در شرکت مزبور حداقل نیمی از کارگران را از کار بیکار ساخته است.

بر مبنای آمار ارائه شده از سوی میرخانی تولید ایران خودرو

طی اجلاس ماهانه اعضای انجمن مدیریت جمهوری اسلامی که در هتل لاله تهران برگزار گردید، میرخانی مدیر عامل شرکت ایران-خودرو که همان ایران ناسیونال زمان شاه میباشد آمار و ارقامی از کمیت تولید و تعداد کارگران و وضعیت این کارخانه در قبل از قیام ۵۷ و بعد از قیام ارائه کرد که بدون شک از آنجا که آمار مزبور از سوی مدیر عامل شرکت عنوان شده نمیتواند دقیق بوده و تمامی واقعتهای موجود را منعکس سازد اما در همین حد



جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی سامانی (کاک فرهاد) که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگید!

از صفحه ۵۰

مسئولیت فریدون کوچک در امرار معاش خانواده سنگینتر گشت. اغلب اوقات اتفاق می افتاد که هنگام تعطیلی مدرسه بدون اینکه کتاب و دفترش را به خانه ببرد از همان مدرسه رهسپار محل کار خود می شد.

پس از اتمام دوره راهنمایی به شهر اصفهان رفت و سا با برادرش در شرکت های ساختمانی مشغول کار شد در این سالها اسواج توفنده قیاس نام

رژیم های مزدورشان روزگار می گذرانند و کوچکترین مقاومت و اعتراضشان با سر نیزه و کلوله پاسخ داده می شود. در بستر چنین شرایطی بود که کینه ای عمیق و مقدس نسبت به بانیان و حافظان این نظم غارتگرانه در دل او پرورانده شد و بتدریج تمام وجود او را تعارض و عصیان بر علیه این نظام پوسیده فراگرفت. فریدون از همان کودکی می ریاست به همراه پدرش به کار

هزاران فرزندان انقلابی و آزادیخواه این مرز و بوم رنگین شده است و چریک فدائی خلق رفیق فریدون محمدی سامانی نیز از زمره این انقلابیون و از تبار پاکبخته تربیت آنها یعنی چریکهای فدائی خلق بود.

رفیق فریدون در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده فقیر و زحمتکش روستائی در شهر سامان شهر کرد بدنیا آمد. زندگی پر از فقر و محنت به همراه کار طاقت فرسای روزانه تنها چیزی بود که فریدون بسته هنگام کشودن چشمهایش با آن مواجه گشت. خانه محقری که در یک طرف آن وسایل امرار معاش خانواده جا داده شده بود و در سوی دیگر می ریاست خانواده چند نفره او ش و روز را در آنجا به سر می آوردند، خسود جلوه ای از شرایط سخت زندگی خانواده اش بود، خانه ای کسه به قول دوستانش بیشتر به یک مخروبه شبیه بود تا محل زندگی انسان. در واقع وضع زندگی فریدون و خانواده اش تجسم وضعیت زندگی فلاکتبار ملیونها کارگر و زحمتکش محروم دیگر در میهنمان است که زیر سلطه جابرانسه امپریالیستها و



توده های به پا خاسته بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، فریدون را نیز به کام کشید و او با تمام کینه ای که به نظم غارتگرانه و بیعدالتیهای موجود داشت در مبارزات جنبش انقلابی

طاقت فرسای کشاورزی بپردازد و حتی هنگامی هم که به مدرسه می رفت موظف بود که بخشی از وقت خود را صرف کارهای پدرش نماید. و وقتی که پدر خانواده در چنین شرایط طاقت فرسائی یک پای خویش را نیز از دست داد

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

توده ها در سال ۵۷-۵۶ شرکت کرد و در جریان این مبارزات با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آشنا شد و به هواداری از آن برخاست.

با آشکار شدن ماهیت فرصت طلبانه رهبری سازمان و اعلام موجودیت انقلابی چریکهای فدائی خلق، فریدون صف خود را از سازشکاران جدا کرده و با هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران راه راستین و انقلابی مبارزه را برگزید. چرا که با مطالعه و جمع بندی تجربیات انقلابی به این نتیجه رسیده بود که راه انقلابی سرنگونی امپریالیزم و سگهای زنجیریش و مسببان چنین مظالم و غارتگریهای تنهاسا مبارزه مسلحانه است و بر همین اساس بود که از این به بعد با تمام توان و شور مبارزاتی خود به تقویت صفوف چریکهای فدائی خلق که در آن شرایط تمامی امکانات سازمانی شان بوسیله اپورتونیستها غصب گردیده بود و در شرایط دشواری بسر میبردند، پرداخت.

شرکت در هشته های مطالعاتی و بخش فعالانه خبرنگارانه ماژندران، جزوات و اعلامیه های سازمان، شرکت در مبارزات اعتراضی توده ها در شهر سامان از زمره فعالیتهای انقلابی رفیق در این سالها بود. هر بار که فریدون به شهر می آمد تمام شهر مملو از اعلامیه های

چریکهای فدائی خلق میشد و در همین اثنا به کمک سایر رفقاییش برای بدست آوردن امکانات هر چه بیشتر برای گسترش فعالیتهای انقلابی شان به مصادره موتورسیکلت یکی از عناصر دشمن مبادرت نمودند.

با فرا رسیدن سال ۶۰ و یورش وحشیانه و همه جانبه رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی به جنبش انقلابی، رفیق فریدون نیز فعالانه در مقاومت قهرمانانه توده ها در مقابل این یورش در شهر سامان شرکت کرده و بارها برای بدست آوردن اسلحه سعی نمود با همکاری یارانش، پاسداران سرکوبگر را در جریان تعرضات به تظاهرات توده ها خلع سلاح نماید. شرایط ترور و خفقان و سرکوب این دوره که باعث ضربه خوردن سازمانهای انقلابی و مبارز و بالنتیجه قطع بسیاری از روابط انسان گشت، روابط رفیق را با سازمان قطع نمود و در شرایطی که بسیاری از عناصر متزلزل، صفوف جنبش و سازمانهای انقلابی را ترک می کردند او با شجاعت و شوری دو چندان در جهت ارتباط مستقیم با سازمان بسر آمد تا با عزمی راسخ برای انجام تعهدات و وظایف سنگین انقلابی اش به عنوان یک چریک فدائی خلق کوشش کند. در راستای همین کوششها بود که با تلاش فراوان و در حالیکه بسیاری از خطرات را از سر گذرانده بود توانست در کردستان با سازمان ارتباط گیرد.

از ایسن به بعد رفیق فریدون بنام عنوان یک پیشمرگ رزمنده و شجاع چریکهای فدائی خلق در یکسری عملیات قهرمانانه در کردستان شرکت کرده و تجربیات نظامی خود را فزونی بخشید برای نمونه رفیق فریدون که حال در کردستان او را با نام کاک فرهاد می شناختند در تسخیر پایگاه " کانی دره " مزدوران رژیم در منطقه سردشت فعالانه شرکت نمود اما عملیاتهای مسلحانه او تنها در چهار چوب مبارزه در صفوف پیشمرگان سازمان در کردستان خلاصه نمی شود، رفیق فرهاد که بارها برای انجام مأموریت های از کردستان به مناطق دیگر سفر می نمود به اقدامات انقلابی چندی مبادرت ورزید او یکبار در یک اقدام انقلابی توانست و انت یکی از مزدوران ضد خلقی رژیم در شهر تبریز را مصادره نموده و آنرا به مقر سازمان در منطقه آزاد شده کردستان منتقل نماید. مصادره یک مینی بوس ارکانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در اصفهان که در زمان انتقال آن سه کردستان به علت کنترل دشمن مجبور به جا گذاشتن مینربوس و ترک صحنه شد از دیگر کوششهای انقلابی رفیق فرهاد بود.

شرکت رفیق در عملیاتهای مسلحانه مختلف و در شرایط گوناگون و بر خوردهای فراوانش با نیروهای سرکوب رژیم تجربیات بس گرانبهائی برای سازمان و

او بیه بار آورد و جارت و بریای او را زبانزد همه رفقا نمود.

با توجه به ضرباتی که از طرف رژیم ضد خلقی در طی این مدت به تشکیلات وارد شده بود و ضرورت بازسازی دوباره تشکیلات در شهرها به اعتبار وظایف سنگینی که چریکهای فدائی خلق همیشه و در هر مرحله از مبارزات توده ها برای خود قائل بوده اند و با توجه به تجربیات ارزنده رفیق فریدون و امکانات استقراری اش در اصفهان در سال ۶۲ رفیق برای ادامه فعالیت انقلابی به منطقه اصفهان و تهر کرد اعزام شد و این ماموریت خطیری بود که کاک فرهاد با کوله باری از تحارب گرانبهای انقلابی که از شرکت در جنبش مسلحانه خلق کرد و دیگر ماموریت های انقلابی کسب کرده بود با تمام وجود از آن استقبال کرده و در جهت تحقق آن کام برداشت.

در این دوره رفیق فریدون با کوشش خستگی ناپذیر ضمن تهیه امکانات گوناگون و ارتباط گیری با رفقای که قبلا با او در تماس بودند در فضای سرکوب و خفقان سال ۶۲ در جهت پیشبرد اهداف تشکیلات به تلاش شانه روزی پرداخت و در جریان همین فعالیتها بود که رفقا

توانستند با استفاده از حداقل امکاناتی که فریدون از کردستان به اصفهان منتقل نموده بود یکی از صندوقهای قرض الحسنه منطقه حمله نموده و تمامی موجودی آنها به نفع خلق و برای پیشبرد وظایف مبارزاتی شان مصادره نمایند.

با گسترش فعالیتهای رفیق، ارگانهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طریق یکی از عناصر خود به روابطی که رفیق فریدون دوباره سازمان داده بود پی برده و با استفاده از دهها مزدور مسلح به محل اقامت رفیق در شهرکرد یورش بردند.

در جریان این یورش ضد خلقی و نابرابر، بار دیگر تهور و جسارت بی مانند فریدون باعث شد که طی یک رشته درگیری قهرمانانه او حلقه محاصره دژخیمان رژیم را بشکند و آنان را در نیل به اهداف پلید و ضد خلقیشان و دستگیری خود ناکام بگذارد. مزدوران شکست خورده رژیم با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی خود مذبوحانه کوشیدند که در نمایش مضحک نماز جمعه توسط امام جمعه مزدورشان شکست خود را در انظار مردم لاپوشانی کرده و مدعی شوند که گویا تمامی تشکیلات چریکهای فدائی خلق را در هم شکسته اند.

در همین زمان رفیق

فریدون در ادامه فعالیتهای انقلابی خویش ضمن یک طرح متهورانه در تسرور یکی از مسئولین بسیج ضد خلقی شرکت کرده و ضمن اعدام انقلابی مزدور نامبرده رفقا ماشین این مزدور را نیز مصادره نمودند. پس از این فعالیتهای چشمگیر رفیق فریدون بار دیگر جهت وصل تماس و انتقال جمعیندی تحارب بدست آمده به کردستان آمد.

رفیق فریدون در پسابز سال ۶۲ پس از مدت کوتاهی اقامت در مقر سازمان در کردستان (در این زمان یاتوجه به یورشهای جمهوری اسلامی به جنبش خلق کرد و پس از جنگ دلیرانه آلان مقر سازمان به کردستان عراق منتقل شده بود) در چهار چوب سیاست سازمان در این سالها که اعزام رفقا از کردستان به مناطق مختلف کشور برای بازسازی روابط ضربه خورده و استقرار هسته های سیاسی نظامی بود برای گسترش هر چه بیشتر دامنه فعالیتهای انقلابی چریکهای فدائی خلق به همراه جمع دیگری از رفقا که ایضا در چهار چوب سیاست مذکور و بمنظور فوق الذکر سازماندهی شده بودند به تهر اعزام شد. اما این بار رفیق فریدون محمدی پس از مدتی فعالیت در اصفهان مورد شناسائی مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفته و دستگیر

پیش پوی سازماندهی مسلح توده ها

گردید. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی پس از شکنجه های وحشیانه رفیق در زندان اصفهان برای تکمیل پرونده اش برای مدتی او را به زندان ارومیه منتقل نمود. کسانی که رفیق را در زندان ارومیه دیده اند تعریف میکنند که چگونه فریدون در سیاهچالهای رژیم و در چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی با درسهائی که در مکتب انقلاب و رزم چریکهای فدائی خلق آموخته بود با روحیه رزمندگی و شجاعت انقلابی خود در مقابل دژخیمان می ایستاد. او با شوری فراوان در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم مقاومت نموده و از بازگوشی اسرار سازمانیش خودداری میکرد و مرتباً شعار میداد و سرودهای سازمان را میخواند، بشکلی که پاسداران جنایتکار رژیم هیچ لحظه ای چشم بر او نمی بستند و تنهائیش نمی گذاشتند و سرانجام نیز در سال ۶۴ چریک فدائی خلق رفیق فریدون محمدی سامانی با قلبی سرشار از عشق به خلق و کینه به دژخیمان و با جان شیفته ای که آکنده از شور زندگی و ایمان به پیروزی خلقهای تحت ستم بود به جوخه های اعدام رژیم مزدور جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش سپرده شد. یاد و خاطره او را گرامی می داریم و بیاد می آوریم خاطره او را که با تمامی خصائل انقلابی وارزنده اش تجسم رزمندگی و شجاعت چریکهای فدائی خلق بود. او که پایدار و

خستگی ناپذیر در سخت ترین لحظات به رفقاییش روحیه میداد و با چهره بشاش و مهربانش دشوارترین مأموریتها را با جسارت تمام بر عهده میگرفت. بیاد می آوریم او را که به همان درجه کس در مقابل خلق تحت ستم و در زنجیر خویش منعطف و با گذشت بود در مغاسل دشمنان خلسق قاطع و بی گذشت عمل مینمود و اینها فقط برخی از خصوصیات و خصال انقلابی رفیقی است که در صفوف چریکهای فدائی خلق در مقابل امپریالیسم و سگان زنجیریش دلیرانه جنگید و خون خود را بیدریغ نثار راه رهاشی خلقهای ستمدیده میهنمان نمود. گرچه با شهادت رفیق فریدون محمدی سامانی، سازمان ما یکی دیگر از صدیق ترین و شجاعترین یاران خود را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم مزدور جمهوری اسلامی از

دست داد، اما آرمانی که رفیق فریدون به دفاع از آن برخاست و در راحش شهید شد همچنان باقیست و خون این رفیق همانند هزاران رزمنده انقلابی دیگر وثیفه ای شد که پیمان چریکهای فدائی خلق را با خلق تحت ستم خویش مستحکم تر میسازد.

بدون شک همین ذبست زوری که با گسترش مبارزات انقلابی و مسلحانه خامهای در زنجیر ایران بساط بسویید تمامی سگان زنجیری امپریالیسم و اربابانشان برچیده شود و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر برای گذار به سوسیالیسم که رفیق فریدون محمدی در راه آن سلاح برداشت و در صفوف چریکهای فدائی خلق جان خود را نثار آن نمود در میهنمان مستقر شود یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

رفقا، خوانندگان مبارز!

گزارشاتی را که ملاحظه میکنید متعلق به چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی میباشد که در سال ۶۲ زمانی که به منظور انتقال تجربیات گرانبهایش در مبارزه با مزدوران رژیم در مدت کوتاهی که قبل از اعزام دوباره اش به اصفهان در کردستان بسر میبرد در اختیار سازمان قرار داده است. که اکنون بیاد رفیق مبادرت به چاپ آنها مینمائیم.

بدون شک مطالعه این گزارشات که تنها گوشه ای از فعالیتها و اعمال قهرمانانه رفیق ارزنده فریدون محمدی را تصویر می نماید خود پرورشی بیانگر جسارت و بیباکی کمونیست جان برکفی است که

که هر شش نفر دور زده و به طرف ما برگشتند و ما هم بلند شدیم بطرف یکسری ماشینهای که تجمع کرده بودند و مسافر به اطراف شهر میبردند راه افتادیم. در همین حین شنیدیم که یکی از آن شش نفر که از جلو حرکت میکرد و گویا فرمانده بقیه افراد بحساب میآمد خطاب به دیگر پاسداران گفت برادران با فاصله حرکت کنید و خودش سریع رفت جلوتر و نشست و کلتش را درآورد و بطرف ما نشانه رفت و بقیه در دو دسته سه و دو نفره بطرف ما آمدند. در این موقع ما دیگر راه افتاده بودیم ولی رفیقی که همراه من بود یک مقدار عجله کرد و کلاه که همراهش بود را جا گذاشت در همین موقع یکی از آنها مارا صدا زده و گفت برادر برگردید کلاهتان را بردارید و من به رفیق گفتم تو برو من برمیگردم و خودم برگشتم یکی از پاسداران بعد از سلام علیه شروع به سوال و جواب از من کرد رفیق همراهم نیز در این لحظه باز گشته بود خلاصه بعد از سوال و جواب کردن با یک حالت تهدید آمیز گفت که با کسی تماس نگیرید و همینجامنتظر باشید تا آن برادر ما بیاید تا برویم سپاه که بفهمیم دقیقا شما کی هستید.

از وضعیت فلکه معلوم بود در سمت جنوب آن مواظب چند نفر دیگر هستند بهمین خاطر نیز اقدام فوری برای دستگیری ما دو نفر بعمل نیامد و آنها با توجه به شیوه طبیعی برخورد ما با پاسداران ما را در چنگ خود احساس میکردند و در عین حال نمیخواستند مردمی که در حال رفت و آمد هستند متوجه اوضاع بشوند و در نتیجه خیلی آهسته چندمتری از ما فاصله گرفتند و منتظر آمدن فرمانده خود بودند در این فاصله که همه آنها نگاههایشان متوجه آنطرف فلکه بود ما از فرصت استفاده کردیم و با سر رسیدن یک وانت باز از کنار فلکه به پشت وانت پریدیم و به راننده گفتیم که مسیر ما مستقیم است

در راه تحقق خواسته ها و اهداف برحق کارگران و توده های ستمدیده بر علیه سلطه امپریالیسم و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی سلاح بردست گرفتند و در صفوف چریکهای فدائیان خلق با ایمان به پیروزی راهشان بر محابا جنگید.

جریان محاصره

در یکی از فلکه های اصفهان

۲۷ / ۷ / ۶۲ با شناسایی یکی از بانکهای رژیم تصمیم به پیاده کردن طرح مصادره بانک گرفتیم برای این منظور ابتدا میبایست ماشین مصادره نمایشیم لذا یک روز قبل از عمل یعنی شب ۲۷ / ۷ برای تهیه کردن ماشین حرکت کردیم و بخاطر آنکه بتوانیم عمل مصادره ماشین را برای آخرین بار چک نمایشیم یک ساعت زودتر از ساعت مقرر راه افتادیم. در محل با اوضاع نامناسبی روبرو شدیم و از اینرو تصمیم به وقت گذرانی در یکی از فلکه های کنار شهر گرفتیم ولی هنوز نیم ساعتی نگذشته بود که ۶ نفر آمدند از جلوی ما رد شدند که همه آنها یک حالت مشکوکی داشتند هر چند که همه آنها با لباس شخصی قدم میزدند منتهی سبک راه رفتن و چگونگی کنترل اطراف توسط آنان خیلی زود ما را متوجه ساخت که هر ۶ نفر پاسدار هستند. بلافاصله پس از رد شدن این شش نفر از جلوی ما با رفیق همراهم مشورت کردم و تصمیم گرفتیم که از آنجا دور شویم در ضمن هر دو مسلح به کلت و نارنجک بودیم و از اینرو در صورتیکه آنها به ما مشکوک بوده و دست به اقدام میزدند که جریان به درگیری میکشد حداقل با توجه به شناسایی که به خیابانهای اطراف و کوچه پس کوچه ها داشتیم میتوانستیم با تیراندازی متقابل محل مزبور را ترک کنیم هنوز دقایقی نگذشته بود

خود مختاری خواست برحق خلق کرد است

بودیم صرف نظر میکردیم و یا به طریقی او را آزمایش کرده و از واقعیت مسئله سر در میآوردیم. به این خاطر تصمیم گرفتیم با استفاده از پیشنهادهای خودش در مورد دست زدن به عمل او را آزمایش کنیم. هیچ راه دیگری با توجه به وضعیتمان وجود نداشت.

با ارزیابی ای که از اوضاع کردیم قرار شد در يك ساعت به سه عمل انفجاری دست بزنیم ولی او را فقط در جریان یکی از این عملها قرار دهیم. در ۷/۲۲ بود که او را دیدم و پس از بحثهای لازم قرار يك عمل را با او گذاشتم و قرار شد فردا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر برای حل مسائل عمل فوق در یکی از خانه های خودمان که او آنرا میشناخت او را ببینم. با توجه به اینکه به نامبرده مشکوک شده بودیم از لحاظ حفظ احتیاط فردای آنروز مسلح و با نیمساعت تاخیر به خاطر اینکه دقیقاً محل را چک بکنم و اگر مورد مشکوک یا خطری وجود داشت متوجه شده و عکس العمل مناسب نشان دهم به محل قرار رفتیم، اما او دقیقاً سر قرار آمده بود و وقتی دیدن من نیستیم برگشته بود که دوباره ساعت چهار و ربع برگشت در نتیجه بعد از تمام شدن صحبتهایمان قرار شد برای چک کردن محل عمل به داخل شهر برود و در محل، نیروها و گشتیهای بسیج و سپاه را کنترل کرده و گزارش وضعیت را بیاورد و قرار بعدی به ساعت ۶ موکول شد در این فاصله برای فهدین اینکه اگر مشکوک بودن نامبرده درست باشد آیامارا لو داده بانه در خانه مزبور نگیانی میدادیم.

بدلیل اینکه خانه ما در بین ژاندامری و سپاه پاسداران شهر سامان با فاصله ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از هر کدام قرار داشت هرگونه حرکتی خیلی زود قابل کنترل بود و هر خطری را میشد زود متوجه شد. بالاخره در ساعت ۶ بعد از ظهر فردم مزبور برگشت و وضعیت را توضیح داد و خبر داد که سپاه پاسداران ضد خلقی حدود ۲۵ تن نیروی کمکی وارد شهر کرده است البته او تاکید میکرد که آوردن نیروی کمکی در رابطه با جنگ زده گان است و این نیرو را برای کنترل آنان

ولی گویا راننده خود از شیوه سوار شدن مسا به داخل ماشین خسود چیزی احساس کرده بود که با نهایت سرعت از آن محل دور شد و نتیجتاً مسا هم توانستیم از محاصره پاسداران با موفقیت فرار کنیم.

گزارش درگیری در خانه، در شهرک سامان و فرار از آن ۶۲/۷/۲۲

پس از اینکه از کردستان به اصفهان رفتیم با توجه به امکاناتی که در "شهر سامان" شهر کرد داشتیم شروع به تماس و ایجاد ارتباط با دوستان و هوادارانی که از قبل میشناختم کردم و بتدریج روابط با کسانی که آمادگی حرکت داشته و در این زمینها شور و شوق نشان میدادند را گسترش دادم در نتیجه پس از ایجاد یکسری ارتباطات و امکانات و سازماندهی رفقای که برای کار ابراز آمادگی کرده بودند، با شناسایی چند سوژه عملیاتی در استان اصفهان و چهار محال بختیاری تصمیم به چند عمل گرفته شد.

در جریان ارتباط گیری با آشنایان و رفقای که میشناختم در تماس با یکی از هواداران تشکیلات قرار گرفتیم او مدتی پس از قیام هوادار جریان شده و از هواداران فعال منطقه بود بدلیل اینکه محیط فعالیت در شهر سامان کوچک بود او کاملاً مرا میشناخت پس از مدتی بحثهای اولیه او تاکید زیادی روی دست زدن به عمل نمود و چند بار پیشنهادهای مشخص تیز ارائه کرد. اینرا هم بگویم که این فرد در ظاهر قضیه با مشورت خودمان در سپاه کار میکرد و در نتیجه در کنترلش با مشکلاتی مواجه بودیم در همین حین یکی از رفقا که اطلاعاتی از او داشت گوشزد کرد که به نامبرده مشکوک است اما از آنجائیکه محیط کوچک و محدود بود و او یکسری از روابط ما را میشناخت و کاملاً با نظرات و اهداف ما آشنایی داشت قدرت مانورمان خیلی کم بود یا میبایست فوراً منطقه را تخلیه میکردیم و از تمامی زحماتی که کشیده

موتور سوار را میشناخت و با او آشنایی داشت او بطور طبیعی با موتور سوار برود.

بسیار توجه به شناختی که از موتورسوار داشتیم و حالتی که از خود نشان میداد رابطه آمدن او به خانه برای ما مشخص بود و میدانستیم که محل لو رفته است و اینها همه کلک است ولی چون مطمئن بودیم که در حین رفتن موتور سوار معکس نبود که بطرف آنها شلیک شود و موتور سوار هم نمیخواست کسی به رابطه اش با سپاه به این طریق پی ببرد مطمئن بودیم که امکان فرار از دست او وجود دارد در نتیجه قرار برای فردای آنروز در یک شهر دیگر با همدیگر گذاشتیم و رفیق مزبور با موتور سوار از خانه خارج شد، چون فکر میکردم اگر قرار است ضربه بخوریم یک نفر ماندن بهتر از دو نفر ماندن در خانه است هرچند که از لحاظ درگیری دونفره بهتر بود ولی تصمیم گرفتیم که رفیق برود و من بمانم و با توجه به تمامی موارد مشکوکی که دیده بودیم حدس میزدیم که پاسداران باید همان حدود ساعتی که قرار بود عمل انجام شود به خانه حمله کنند در نتیجه خود را برای پذیرائی از آنها آماده کردم.

ساعت ده و ده دقیقه بود که از محلی که نگهبانی میدادم متوجه شدم عده ای از طرف سپاه دارند به خانه نزدیک میشوند ساختمان خانه ما به این صورت بود که یکسری اتاق درست شمال حیاط و چند اتاق دیگر به فاصله ۲۰ متر در جنوب حیاط قرار داشت. محلی که در نظر گرفته بودم در جنوب ساختمان قرار داشت چهار طرف ساختمان هم عمدتاً باز بود فقط سمت ژاندارمری و سمت چپ ساختمان یک ردیف خانه بود.

چون از جایشکه پاسداران به سمت خانه میآمدند موضعشان نسبت به خانه جای بلندی بود و به سمت شمال ساختمان رفتیم تا دقیقتر بتوانیم مسیری که آنان از طرف سپاه میآمدند را ببینیم و بهتر کنترلشان کنیم. در همین زمان متوجه شدم که در نزدیکی باغی که ۵۰ متری ساختمان سپاه بود عده ای موضع گرفته و از آنهاش که سمت خانه

آورده اند، چونکه آنها سنتهای مذهبی بخصوص در مورد برگزاری عاشورا و تاسوعا دارند که با سنتهای پاسداران همخوانی ندارد، اما همین توضیحات و تاکید او بر آنها شک ما را بیشتر کرد در نتیجه قرار بعدی که نزدیک ساعت عمل بود را حدود ساعت هشت و ربع با او گذاشتم و پس از جدا شدن از او فوراً به داخل شهر رفتم تا اوضاع را از نزدیک چک کنم و در ضمن بسیار رفیق دیگری قرار را اجرا کنم که رفیق سسر قرار نیامده بود. برای مشاهده کردن بهتر محل و کسب اخبار دقیق در مورد آمدن نیروی کمکی برای پاسداران با دو چرخه به داخل شهر رفتم بر اساس آنچه که دیدم خبر درست بود منتها تعداد بیشتر از آنچه او گفته بود به نظر میآمد، حدود نیم ساعتی که با دو چرخه چرخیدم محل دو عملیات دیگر را نیز چک کردم که به دوسه مورد مشکوک برخوردیم و حتی در یکی از محلهها بسیار یک حالت نیمه محاصره مواجه شدم در نتیجه تصمیم گرفتیم فوراً بقیه رفقا را در جریان بگذارم و مسئله عمل هاش را که قرار بود انجام شود را فعلاً عقب بیندازیم.

در ضمن در این فاصله با یک سری از بچه های محل آشنا شده بودیم که با ما در ارتباط بودند یکی از آنان را دیده و توضیح دادم کسه امشب و فردا احتمال ریختن به یکسری از خانه ها وجود دارد هر چیزی در جلوی دست دارید مخفی کنید و مواظب خودتان باشید. بعد از این سریع به خانه برگشتم. ساعت هشت و ربع منتظر فرد مزبور بودم که نیامد ۱۰ دقیقه بعد یکی از کسانی که مردانستیم برای سپاه مخفیانه جاسوسی میکند به بهانه اینکه با یکی از اهالی خانه کار دارد با موتور به در خانه آمد چون ده دقیقه از قرار گذشته بود و موارد مشکوکی نیز دیده بودیم مطمئن شدم که فردی که انتظارش را میکشیدم دیگر نخواهد آمد و همه چیز را لو داده است. چون حدس میزدیم احتمالاً خانه محاصر باشد ولی میدانستیم که کدام سمت حلقه محاصره ضعیف تر بوده و امکان مقاومت و شکستن آن با قدرت آتش وجود دارد. با یکی از رفقا که در خانه بودم مشورت کردیم و تصمیم گرفتیم چون

پناه قدرت آتش امکان پیروزشدن وجود دارد که با شلیک بموضع پراکنده پاسداران صدای مسلسلهايشان خوابید که فکر میکنم به این خاطر بود تا موضع مرا بهتر شناسائی کنند و سپس باشلیک به آن موضع کار را تمام کنند. بعد از شلیک يك خشاب ، خشاب اسلحه را عوض کرده و با کشیدن پیم نارنجک به بالای دیوار رفتم از آنجا که موضع در روی دیوار در مقابل دید پاسداران قرار داشت دوباره شروع به شلیک کردم که يك رگبار آجر های زیر پایم را سوراخ کردند و حتی احساس کردم که باغایم گلوله خورده است ولی خیلی زود به داخل کوچه پریدم و با آمادگی کامل برای درگیری با مزدورانی که ممکن بود سرراهم ظاهر شوند شروع به دویدن کردم هنوز حدود ۵۰ متری از محل محاصره شده دور نشده بودم که رن و مردی که تازه از ماشین پیاده شده بودند مرا دیدند و پرسیدند که چه خبر است که گفتسم نمیدانم و ساکن یکجاوی خاصی دوباره پرسیدند که خودت از کجا میآئی که در حال دویدن جواب دادم از خانه و بالاخره اولین خیابان را قطع کردم و با استفاده از تاریکی شب ۱۰ اوها کوچه را طی کردم وارد شدن من از این مسیرها موتورسوارها و ماشینهای گشتی سپاه سر میرسیدند و بسه طرف مسیروائی که احتمال میدادند بروم بسا سرصدای زیاد و تیراندازی حرکت میکردند .

نهایتا با يك ساعت دویدن شهر را ترک کردم و از طریق راههای کوهستانی با ۵ ساعت پیاده روی خود رابه شهر دیگری رساندم و بسا استفاده از امکاناتی که در آنجا داشتم از استان خارج شدم و خود را به محلی که میبایست بروم رساندم تا وضعیت را شرح داده و امکاناتی که در آنجا بود را تغییر مکان دهم حدود ساعت هفت صبح روز بعد بود که به آنجا رسیدم و فوراً آنجا را پاک کرده و بسه محل فراری که بسا رفیق دیگر داشتم رفتم که تا نهایت خوشحالی رفیق را دیدم . و متوجه شدم که او نیز دستگیر نشده و توانسته است از محاصره افراد ژاندارمری با موفقیت فرار کند .

میآمدند حفاظت میکردند . تا ضمن تکمیل محاصره خانه اگر تیراندازی شد و مقاومتی صورت گرفت آنان هم از سمت راست خانه شلیک کنند .

پاسداران بصورت منظم بسه ستون يك و در دو گروه ۳ نفری میآمدند در همین موقع فکر کردم که ممکن است نیروهای که در آن سوی ساختمان که بسه طرف ژاندارمری قرار داشت برایم نارنجک پرتاب کنند که خواستم از دیوار مشترک دو خانه بسالابروم و بسه پشت حیاط همسایه بغلی نگاهم بکنم تا اگر تجمع آنها در آن نقطه باشد بسوسيله پرتاب نارنجک جلوی حرکت آنها از این طرف را بگیرم ولی در همین سالا رفتن اردیوار بودم که فردی از روی پشت بام همسایه پاشین رفت و سایه اش داخل حیاط دیده شد که بسرور صدا پاشین آمدم و بسه سمت جنوب ساختمان رفتم دیگر کاملاً دستم آمده بود که با توجه بسه شیوه آمدن آنها از طرف سپاه و آن سمت که حفاظت و محاصره اش را ژاندارمری بعهده داشت هیچ راهی از آنطرف نبود .

در نتیجه فوراً تصمیم گرفته و آهسته در حیاط را باز کردم در بیست متری مقابل خانه تکه زمینی بود که سه طرف آن دیوار داشت و يك طرفش که بسه سمت خانه بود باز بود و حدود یکمتر پاشینترا سطح زمین قرار داشت این فاصله را خیلی سریع طی کرده و خودم را بسه آنجا پرت کردم که پرت شدنم همان و گلوله باران شدن موضع همان . اما بسا چند زیکزاک زدن داخل زمین مزبور خود را بسه ضلع شمال غربی حصار رساندم و خواستم که بسا رفتن روی دیوار راه را چک کرده و از آنجا فرار کنم که شلیک ممتد رگبار مسلسلهای پاسداران آجرهای بالای سرم را سوراخ سوراخ کرد در نتیجه معلوم شد که موضعم در مقابل دید آنها قرار دارد و اجازه هیچ حرکتی بسه من نمیدهند . بسا توجه بسه تجربیاتی که از شرکت در عملیات در کردستان کسب کرده بودم صحنه های درگیری در کردستان جلوی چشم ظاهر شد و دیدم که تنها با خاموش کسردن آتش طرف مقابل و شلیک متقابل میتوان محاصره را شکست و در

شد پاسداران ضد خلقی برای کنترل منطقه از منسور استفاده میکرده اند در ضمن فردی کسه رفقا به او مشکوک بودند و ما را لو داده بود در همان شب برای ظاهر سازی دستگیر می کنند ولی فردا آزادش می سازند که اهالی شهر او را دیده اند .



از طریق امکاناتی که داشتم خبر رسید که پاسداران ضد خلقی با تیراندازیهای وحشیانه به خانه مزبور وارد شده و ساکنین خانه را خیلی اذیت کرده اند و یکی از اهالی تعریف می کرد که تا صبح چیزهایی به هواشلیک میکردند که مثل نورا فکن تمام محل را روشن میکرد و بعد خاموش میشد که معلوم

من نشسته در کنار رود

روی سنگ

پیش رویم برگهای سوخته با باد میچرخند

کار من

- واگویه دارم -

حسته و دلتنگی

رود را ماند

در کنارم رود

سر به سنگ و صخره میکوبد سرودش -

- را براه خویش میخواند .

رودخانه

رودخانه کاکل افکنده به راه خویش

پیش میراند

میخورد سیلی

میخورد پر خاش

تا به راهی این چنین دشوار

موج موجش را ز دست سنگ

میرهاند

در دوسویش باد چنگ افکنده در پائیز

کهکشانش سوگوار برگ در راهش میافشانند

با چنین دلسردی و سختی

رودخانه سر به سنگ و صخره میکوبد -

سرودش را براه خویش میخواند

گویا او را قراری با عمیق آبی دریاست

کاین چنین سرمیکشد از قله امواج

لحظه ای در دوردستان خیره میماند

و خرو میریزد آنکه خنده هایش

موج روی موج

از روان خنده های روشنش پیداست

راه خود را رود میداند

قطره میبارد، قطار چشم

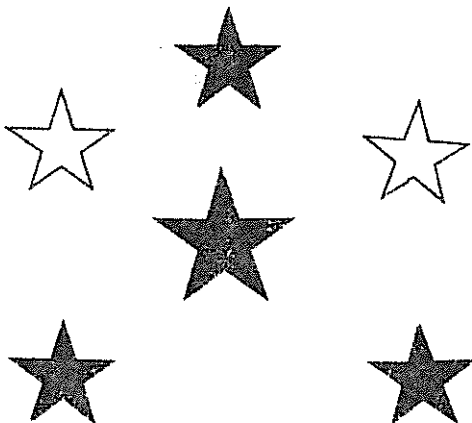
روی یال موجهایش مینشانند

رود سرسختی

بوسه دریا دلی را با لب دریا شکستن ، میتواند

از شاعر انقلابی

رفیق سلطان نهـور





اطلاعیه

چریکهای فدائی خلق ایران

در رابطه با اعدام انقلابی یکی از عناصر اطلاعاتی جمهوری اسلامی

خلقهای قهرمان ایران!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در چهار چوب سیاستها و اعمال جنایتکارانه اش بر علیه جنبش انقلابی خلقهای ایران مدتهاست که با توسل به شیوه های گوناگون پلیسی و بسا استفاده از عناصر خود فروخته و مزدورش میکوشد ضربات هر چه بیشتری به سازمانهای انقلابی وارد ساخته و فعالیتهای انقلابی آنها را محدود سازد.

در پی این سیاست چندی پیش رژیم مزدور در تداوم تلاشهای ضد انقلابی فوق یک توطئه پلیسی - تروریستی را بر علیه سازمان ما طرح ریزی نموده و عنصر خود فروخته ای بنام احد برمک را برای پیشبرد این توطئه پلیسی در آبانماه سال ۶۶ به درون سازمان ما گسیل داشت. اما بدلیل وجود حفاظت امنیتی سازمان و هوشیاری رفقا این عنصر نفوذی در بدو ورود شناخته شده و دستگیر گشت و به این ترتیب برنامه ضد انقلابی جمهوری اسلامی عقیم مانده و با شکست مواجه گردید.

بر اساس طرح ضد انقلابی فوق الذکر احد برمک این عنصر خود فروخته سیبایست با جلب اعتماد تشکیلات تعداد دیگری از عناصر نفوذی دشمن را وارد سازمان ما نماید و خود با گرفتن "کدهای ارتباطی" به شهر تبریز رفته و با همکاری اداره اطلاعات جمهوری اسلامی به ایجاد یک شبکه پلیسی در این شهر مبادرت کند و سپس با اقدام به چند عملیات مسلحانه نمایشی - پلیسی، عده ای از مسئولین و رفقای سازمان را برای سازماندهی وسیعتر فعالیتهای انجام شده به تبریز کشانده و موجب دستگیری و اعدام آنها گردد.

احد برمک، مزدوری که اجرای توطئه پلیسی فوق الذکر را به عهده گرفته بود یکی از هواداران سازمان ما بود که در پائیز سال ۶۴ از کردستان برای فعالیتهای مبارزاتی به شهر تبریز اعزام شده بود. وی پس از همکاری فعال با جمهوری اسلامی تمامی اطلاعات خود از فعالیتهای سازمان را در اختیار این رژیم ددمنش قرار داده بطوری که تنها حدود ۲۰ مورد "تک نویسی" فقط در رابطه با رفقای مبارزی که در شهر تبریز می شناخته است در اختیار جمهوری اسلامی گذارده و شایان توجه است که مزدور نامبرده خود بیشمارانه اعلام میکرد که ضربات "ویران سازی" به چریکهای فدائی خلق وارد ساخته است.

در جریان پرسشهای مکرری که از این مزدور بعمل آمد وی ضمن اعتراف به ارتباط خود با اداره اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام داشت که هدفش از نفوذ در درون سازمان پیشبرد نقشه ضد انقلابی فوق بوده است که در چهار چوب این طرح میبایست شخصا ترور رهبران سازمان ما را نیز عملی سازد.

مردم مبارز ایران!

در شرایطی که جنایات وحشیانه جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست و کوس رسوایی این رژیم جنایتکار، در هر کوی و برزن بصدا در آمده است در شرایطی که دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلقهای ستمدیده مان، بوسیله این رژیم ددمنش اعدام گشته و یا زیر وحشیانه ترین شکنجه ها در سیاهالها به بند کشیده شده اند و در شرایطی که علیرغم حاکمیت زور و سرنیزه و اعمال بیرحمانه ترین سرکوبها باز هم آوازه مقاومت سرخ انقلابیونی که در زیر شکنجه های قرون وسطایی حتی از افشای نام خود نیز خودداری ورزیدند، با بانگی رسا در همه جا طنین انداز است؛ عناصر خود فروخته چندی وجود دارند که بخاطر زندگی حقیر خویش حاضر به انجام هر جنایت

و ذاتی نسبت به امر انقلاب خلقها بوده و در خدمت فد انقلاب بعنوان خائنین خود فروخته‌ای در این راه تا بدانجا پیش می‌روند که مجری سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی بر علیه نیروهای انقلابی می‌گردند. همچنانکه احد برمک خائن، به خواستهای ضد خلقی رژیم حاکم کردن نهاد و در اجرای مقاصد شوم و ضد انقلابی آنان کوشش کرد به منظور ضربه زدن به انقلاب و انقلابیون بدرون صفوف چریکهای فدایی خلق نفوذ کند. بی تردید انقلاب و انقلابیون می‌بایست قاطع و مصمم در برابر تلاشهای عناصر خود فروخته و خائن ایستادگی کرده و جهت پاسداری از خون شهدایی که سر فرازانه در مقابل شکنجه‌های دشمن مقاومت کرده و با خون خویش نهاد انقلاب را آبیاری نمودند، احساس تعهد کرده و به حکم وظیفه انقلابی، چنین خائنین را به سزای اعمال ننگینشان برسانند. در نتیجه در مورد احد برمک خائن نیز جز این نمی‌بایست بر خورد شود. بر این اساس و از آنجا که فرد نامبرده در جریان ۸ ماهی که دستگیر و تحت آموزش قرار داشت هرگز نخواست از راه خیانت‌بار خود باز گشته و بیش از این بر علیه انقلاب خلقهای ما گام برندارد، در نتیجه به جرم خیانت به انقلاب ایران و تبدیل شدن به یکی از مهره‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و همکاری در دستگیری انقلابیون و گزارش دهی بر علیه زندانیان سیاسی و نفوذ بدرون چریکهای فدایی خلق برای نابودی تشکیلات، حکم اعدام انقلابی این مزدور از سوی سازمان ما صادر و در بیست تیر ماه سال ۶۷ به مورد اجرا گذاشته شد.

بدون شک سرنوشت عبرت انگیز احد برمک باید درسی باشد برای تمام عناصر خود فروخته و مزدورانی که از سوی جمهوری اسلامی جهت نفوذ بدرون سازمانهای انقلابی اعزام میشوند تا آنها بدانند که در هر صورت سر انجام از سوی انقلاب شناخته شده و دستگیر می‌گردند و عدالت انقلابی دربار آنها اعمال خواهد گردید. بی تردید سرنوشت عبرت انگیز احد برمک خود گویای این واقعیت میباشد.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدایی خلق ایران

۲۲ / تیرماه ۶۷

داده و نگذارند توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن خلل و وقفه ای در مبارزات انقلابی آنان بوجود آورد.

مرگ بر جنک امپریالیستی ایران و عراق!
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق بر رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

دوم مرداد ۶۷



اطلاعیه مین گذاری

پیشمرگان چریکهای فدائی خلق ایران

در منطقه پیرانشهر

خلقهای قهرمان ایران!

در تاریخ ۶/۵/۷۷ یکدسته از پیشمرگان قهرمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از شناسائیهای لازم بنسظور مین گذاری در جاده مجموعه پایگاهی "سرگومی" در منطقه پیرانشهر به این پایگاه نزدیک شدند. پیشمرگان در مسیر حرکت خود بسوی این پایگاه نخست در ارتفاع موسوم به "کلای گرسی" ضمن بازرسی اولین سنگردیده بانای مزدوران رژیم بایک مین ضد نفر کار گذاشته شده توسط سرکوبگران برخورد کرده و با هوشیاری کامل مین مزبور را خنثی کرده و ساعاتی بعد، پس از یک رشته مین گذاری در مسیر جاده پایگاه "سرگومی" همگی سالم به ماموریت خود پایان دادند. بعد از ظهر روز بعد در اثر انفجار اولین مین ضدتانک کار گذاشته شده یک ماشین آیفای مزدوران رژیم منهدم و به قعر دره پرتاب شد و کلیه سرنشینان آن بهلاکت رسیدند. ۱۵ دقیقه بعد از انفجار مین اول، تعدادی از مزدوران رژیم که سراسیمه و هراسان بمنظور کمک به همپالکیهای مزدور خود قصد تردد بر روی جاده را داشتند، بایک مین ضد خودروی دیگر برخورد کرده و با انفجار آن تعداد دیگری از مزدوران رژیم کشته و مجروح شدند. پس از این ضربات کوبنده پایگاههای سرکوبگر رژیم ضد خلقی در منطقه بعدت چند ساعت وحشیانه مناطق اطراف خود را خمپاره باران کردند که به کسی آسیب نرسید.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
 زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
 زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی میجنگد!
 برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
 چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان

گزیده هائیکه از رادیو صدای چریکها

بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه
خود را تشدید کنید!

۲۷/۵/۲۲

رادیوی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی روز گذشته خبر از کسب های اجباری نیروی سه جبهه های جنگی خاستگوس داد. بر اساس گزارشات رادیوی دروغپرداز جمهوری اسلامی گروههای داوطلب از استانهای مختلف کشور از جمله استانهای همدان، کرمانشاه، مازندران، سمنان و چند شهر و استان دیگر راهی قربانگاه جنگی امپریالیستی گردیده اند. این رادیو همچنین به نقل از یک مقام نظامی جمهوری اسلامی با اشاره بر لزوم با اصطلاح دفاع از میهن اسلامی بر کمبود گولت دم توپ تاکید کرد و بر خواست رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مبنی بر بسیج هر چه بیشتر جوانان و نوجوانان برای جبهه ها انگشت گذاشت.

کارگران و زحمتکشانشان! خواهران و برادرانی که در تحت حاکمیت منحوس و استثمارگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دچار صدها مصیبت و درد ورنج گردیده اید، رژیم جمهوری اسلامی صدها هزارتن از فرزندان

تخریب خانه های محلات فقیرنشین شهر سنندج
توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

۲۷/۴/۲۰

اخیرا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی توسط ایسادی جنایتکار و کارگزاران جیره خوار خود خانه های عده ای از زحمتکشانش را در شهر سنندج تخریب نموده و موجب آوارگی صدها خانواده شده است. محلات غفوره، عباس آباد و چند محله دیگر از جمله محلاتی هستند که رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی به بهانه های واهی آنانرا ویران کرده است. البته تخریب و ویران کردن محلات زحمتکش نشین از ابتداءات جدید رژیم مزدور نمیشود، زیرا طی ۹ سال که کردستان قهرمان صحنه نبرد انقلاب و ضدانقلاب بوده، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جهت مقابله با جنبش خلق کرد بارها و بارها روستاهای بسیاری را تخریب کرده و یا به آتش کشیده و زحمتکشانش را بیستاری را به شهادت رسانده و با اجرای طرحهای ضد خلقی مختلف همچون کوچهای اجباری، هزاران زحمتکش را آواره و در بدر نموده اند.

در صفحه ۳۷

برای آشنایی بیشتر در اجلاس
آخر سازمان ملل

۲۷/۴/۲۲

در اجلاس اخیر ویژه سازمان ملل در مورد خلع سلاح که نمایندگان ۱۵۹ کشور شرکت داشتند، جرج شولتز وزیر امور خارجه امپریالیسم امریکا، طی ارائه آماری در رابطه با میزان انباشت سلاحهای کوناکون در کشورهای که وی آنها را رو به رشد نامید بیاناتی ایراد که بر سرای شناخت فریبکاریهای امپریالیستها بایست مورد توجه قرار گیرد.

شولتز در سخنرانی خویش همچنین به خطرگسترش استفاده از سلاحهای شیمیایی نیز اشاره نمود و پیشنهادی سعی کرد تا افزایش خرید سلاحهای مرکبار و استفاده از آنان را تنها به کردن رژیمهای کشورهای تحت سلطه بیاندارد و نه امپریالیستهای کسبه تامین کنندگان اصلی این سلاحهای مرکبارند و ارتشهای این کشورها اساسا توسط آنها تجهیز یافته و آموزش داده میشود. وزیر امور خارجه امریکای جنایتکار در بخش از سخنانش به افزایش سلاحهای متعارف در کشورهای تحت سلطه اشاره کرد و

در صفحه ۳۸

ارگان جریکهای فدائی خلق ایران

شما را در راه مطامع خویش و اربابانش قربانی نموده است، مقاومتها و مبارزات قهرمانانه شما در طول سالهای جنگ بموازات گسترش آگاهیتان از ماهیت رژیم، و قهرمانیهای فرزندان انقلابیتان در سیاهچالهای حاکمیت ضد انقلاب جمهوری اسلامی بخششی از ثمره انقلابی خود را به منصف ظهور رسانده است که نمونه بارز آن، خود را در شکنهای فضاحت بار "جهاد مالی و جانی" رژیم و قبول آتش بس برمینای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل نشان داده است. چرا که بدون تردید همانا مبارزات، اعتراضات و مقاومت شما توده های زحمتکش و کارگران انقلابی است که بمثابة عمده ترین عامل در رابطه شما و دشمنانتان عمل نموده و می نماید.

در شرایط کنسونی هراسی و وحشت از حرکات انقلابی شما توده های زحمتکش سرپای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و اربابانش را فرا گرفته است و از هر سو زوزه های درد آلود مزدوران سرمایه داری وابسته به گوش میرسد، زوزه هاش که اغلب خود را در سخنان ایادی سرکوبگر رژیم بصورت "حساس بودن و خطرناک بودن شرایط" نشان میدهد.

سردمداران تبهکار جمهوری اسلامی از هر سو فریاد برآورده اند

که انقلاب اسلامی و میهن اسلامی در خطر است و نباید از چون و چراها صحبت کرد. البته روشن است که منظور این مزدوران از انقلاب همانا حاکمیت مزدوران امپریالیسم بپر جان و مال شما و زحمتکشان است و میهن اسلامی نیز همان میهنی است که در طول قریب بسه ۱۰ سال که این مزدوران برار برکه قدرت نشسته اند جز فقر، فساد، بدبختی و تباهی و جنگی تیره ای برای شما نداشته است.

براستی مگر این سگان حلقه بگوش سرمایه داری جهانی در راستای اهداف کثیف خود به اربابانشان از هیچ جنایت و دناستی فروگذاری کرده اند؟ مگر هم اکنون دهها هزار تن از رشیدترین فرزندان خلقهای ستمدیده شما در سیاهچالهای جمهوری اسلامی و در زیر چکمه های جلادانشان قسرار ندارند و آیا آنان متعلق به این باصطلاح میهن اسلامی نیستند. پس کارگران و اقشار زحمتکش چرا باید قربانی مطامع سرمایه داران و رژیم حافظ آن گردند؟

روشن است که هرگاه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در منگنه بحرانیهای گریبانگیرش و در هراس مرگ از امواج اعتراضات توده ای قرار میگیرد اینچنین فریاد کسذاشی وطن خواهی سر میدهد. جواب دندان شکن کارگران و اقشار تحت ستم در شرایط کنسونی به دشمنان و

جلادان برای شرکت در اعزامهای اختیاری بدون شک روشن بوده و قطعاً منفی است.

ما جریکهای فدائی خلق کلیسه انقلابیون وتوده های تحت ستم را فرا میخوانیم که تمامی اعتراضات و انرژی انقلابی خود را در صفوفی هرچه فشرده تر، متوجه رژیم جمهوری اسلامی و دم و دستگاه سرکوبگرش نمایند. در شرایطی که ترس و وحشت سرپای رژیم را میلرزاند، وظیفه انقلابی خلقهای تحت ستم میهنان حکم میکند که نبردهای انقلابی خود را در همه عرصه های کار و زندگی برعلیه رژیم جمهوری اسلامی هرچه بیشتر دامن بزنند.

هرچند که قطع جنگ و برقراری صلح از مهمترین مهمترین خواستهای کارگران و زحمتکشان میهن تحت سلطه مان بوده و هست ولی برقراری صلح دمکراتیک و انقلابی که باعث کسب زنجیره های اسارت امپریالیستی شود تنها و تنها با سرنگونی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی بمثابة سک زنجیری امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه داری وابسته و قطع سلطه امپریالیسم از میهن مامیست. پس بکوشیم مبارزاتمان را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر که تامین کننده منافع کارگران و زحمتکشان است ست و سو دهیم و

بسه نقاط دیگر میهنان پناه
برده اند .

جمهوری اسلامی مزدور از
آنجا که جنبش مسلحانه خلق
رزمنده کسرد را بعنوان يك خطر
بزرگ برای موجودیت کشیف خود
مربیند، بنابه ماهیت تبهکارانه
و ضد خلقیش سعی دارد تا با
انواع و اقسام حیل سرکوبگرانه
ایسین مقاومت چندین ساله را
نابود نماید . و این خلق مبارز
را به زانو درآورد . اما پاسخ
همه تلاشهای ضد خلقی و
سرکوبگرانه جمهوری اسلامی از
جمله تخریب و آتش زدن خانه ها،
کشتنش مقاومت و تنفسر و
انزجار عمومی این خلق و آتش
مبارزه مسلحانه فرزندان
بیشمرکش بوده است . مبارزه ای
که در پناه وحدت تمامی خلقهای
دربیند میهنان کردستانهای
دیگری را بوجود خواهد آورد و
برای همیشه سلطه امپریالیسم و
سگان زنجیریش را نیست و نابود
خواهد کرد و با استقرار جمهوری
دمکراتیک خلق برهبری طبقه
کارگر، خلق مبارز کرد نیز در
کنار سایر خلقها به خواست
خویش، خودمختاری و حق تعیین
سرنوشت دست خواهد یافت .



و ایسین جنگ کماکان ماهیتی
امپریالیستی داشته و دارد و
هرگونه شرکت در بسیجهای جنگی
در خدمت رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی خواهد بود . و تنها ثمره
آن برای شما کارگران و
زحمتکشان همچنان فقر و فلاکت
روزافزون خواهد بود .

بهیچوجه اجازه ندهیم توده های
ناآگاه به آلت دست
سرمایه داران و رژیم حافظ آن
یعنی جمهوری اسلامی تبدیل گردند.
بدون شك پذیرش آتش بس از
سوی جمهوری اسلامی تغییری در
ماهیت جنگ ایران و عراق نداده

تخریب خانه های محلات فقیرنشین شهر سنندج توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

از صفحه ۳۵

تمام فجایع خونینی را بیار
آورددها انسان رادر شعله های
خشیم ضدانقلابی خود به شهادت
رساند و ارتش امپریالیستی و
سپاه پاسداران ضد خلقی و
نهادهای سرکوبگر دیگر با جنایت
آفرینی بیحد خود در شهرها و
روستاهای کردستان از جمله
قارناو ایندرفاش باردیگر ثابت
نمودند که در نظام سرمایه داری
وابسته وظیفه ای جز سرکوب
و کشتار زحمتکشان ندارند .
در ادامه این اعمال
ضد خلقی بیش از ۸سال است که
جمهوری اسلامی برای سرکوبی
جنبش خلق کرد، این منطقه را
نیز به یکی از جبهه های جهمی
جنگی تبدیل نمود که در نتیجه آن
زحمتکشان بیشتری از خلق رزمنده
کرد شهید شده و یا آواره و
برخانمان گشته اند، و به ناچار

اعمال جنایتکارانه ای
چون تخریب محل مسکونی زحمتکشان
بدون شك تنها گوشه کوچکی از
فجایع جمهوری اسلامی در کردستان
میباشد چرا که رژیم مزدور
جمهوری اسلامی ۹ سال است که
کردستان قهرمان را محن
یکه تازیهای خود قرار داده وبا
دناشت و پستی تمام از اعمال
هرگونه جنایت و سفاکی در حق
خلق کرد دریغ نورزیده است .

در فروردین ۵۹ شهر
سنندج با خون زحمتکشان خلق کرد
رنکین گشت و رژیم حافظ
سرمایه داری وابسته با انواع و
اقسام سلاحهای مرگبار خود پیر و
جوان و زن و کودک را به گلوله
بست و بیمارستانها و مدارس
ایسین شهر قهرمان پرور را به
آتش کشید . جمهوری اسلامی
ضد خلقی با سبیت و درنده خوئی

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

پیرامون گفتار شولتز در اجلاس اخیر سازمان ملل

از صفحه ۳۵

گفت: " از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ سلاحهای به ارزش ۱۸۰ میلیارد دلار به کشورهای روبه رشد تحویل داده شده است " ارائه این آمار از سوی شولتز بیانگر سودهای نجومی است که امپریالیستهای جنایتکار تنها از طریق فروش سلاحهای مخوف و مرگبار تولیدی خویش به رژیمهای تحت سلطه به جیب میزنند و با توجه بدین امر که هزینه خرید چنین حجم بزرگی از تسلیحات از محل درآمدهای ملی کشورها و عمدتاً از طریق استثماری و چپاول میلیونها کارگر و زحمتکش تامین میگردد، میتوان به عمق جنایت و غارتگری امپریالیستها و در راس آنها امریکای جهانخوار پی برد .

دقت در مورد بخش دیگر از سخنان جرج شولتز نماینده انحصارات امریکائی در سازمان ملل افشاگر پستی و دنائت جانیانی است که برای توجیه اعمال ضدخلقی خویش و برای پوشیده نگه داشتن ابعاد جنایات غیرقابل تصورشان مستزورانه، فریبکارانه ترین ژستهای بشر دوستانه به خود گرفته و به انواع جیل میکوشند خود را مخالف آنچه پیش میبرند نشان دهند .

شولتز در بخش آخری سخنان حسودانه خویش به واقعیاتی اذیتاراف نمود که ماهیت خود و

رژیمهای دست نشانده شان و درستی احکام فوق را بخوبی نشان داد . وی در رابطه با رژیمهای دست نشانده گفت کسه: " در بسیاری موارد این کشورها بنا هیچ تهدید واقعی نسبت به امنیت خود روبرو نیستند . در واقع برخی دولتها ظاهراً نه برای دفاع از کشورهای خود بلکه برای تجاوز نظامی به کشورهای دیگر و سرکوبی داخلی ، روی جنگی افزار و قدرت نظامی سرمایه گذاری میکنند " همچنین این سخنان بار دیگر صحت نظرات چریکهای فدائی خلق در مورد چگونگی تشکیل و وظایف ارتشهای مزدور را به اثبات میرساند .

چریکهای فدائی خلق بارها تاکید نموده اند کسه ارتشهای مزدوری همچون ارتش شاهنشاهی سابق که همان ارتش مسرور استفاده حاکمیت جمهوری اسلامی میباشد و توسط مهره های جدید امپریالیسم تعمیر یافته و نام ارتش اسلام بدان نهاده شد و دهها ارتش همانند خودش اساساً جهت سرکوبی مبارزات خلقهای قهرمان کشور خودی و جنبش های منطقه تشکیل یافته و سازمان داده شده است . و دقیقاً براساس چنین وظیفه ای است که رژیمهای وابسته و اربابان

امپریالیستشان سعی در مسلح کردن و آموزش دادن این ارتشهای مزدور با جدیدترین

روشهای سرکوب و افزارآلات جنگی پیشرفته را دارند . امپریالیستهای جنایتکار و نوکرانشان یعنی رژیمهای تحت سلطه ای همچون جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که استیمرار پایه های ست حکومتشان و تداوم غارت و چپاول دستنچ زحمتکشان تنها در صورت وجود ارتشهای مستزور و سرکوبگر امکانپذیر میباشد . ارتشهایی که سیبایست جهت تامین سلطه غارتگرانه نظام سرمایه داری وابسته به قلع و قمع انقلابیون و زحمتکشان بردارند و حتی هنگامیکه ارتش مزدور کشور دیکسری در سرکوبی مبارزات زحمتکشان ناتوان گردید، آمادگی داشته باشند به یاری همقطاران خویش بشتابند .

شولتز که در رابطه با خرید تسلیحات از سوی رژیمهای دست نشانده با ارائه آمارهای مبنی بر اینکه تنها طی ۵ سال خرید تسلیحات از سوی این کشورها رشد ۴۰ درصدی داشته است چهاره درهمم کشیده و میکوشد بان نشان دادن ظاهری که گویا مخالف این امر است، عوامفریبی نماید، زمانه اش بهتر افشا میگردد که بیاد بیاوریم در همان زمان صیالکیهایش در امریکا با ختم و نگرانی اعلام میکردند در جریان از دست دادن امکان فروش تسلیحات به عربستان سعودی در معامله اخیر این کشور با

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

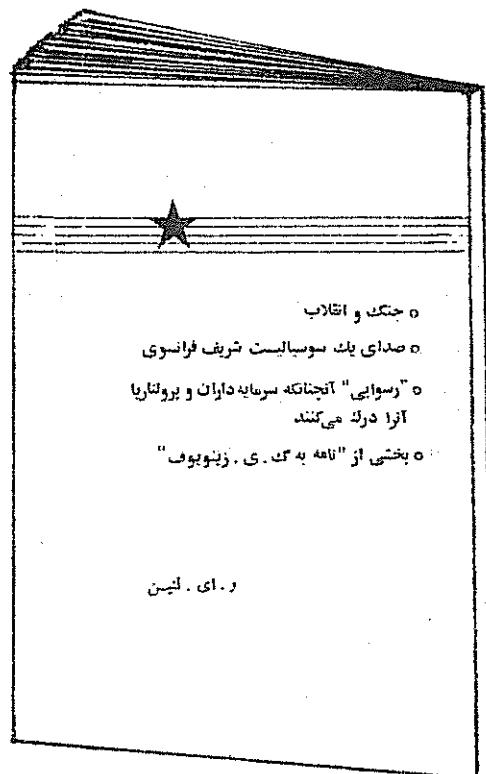
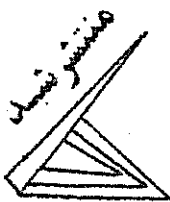
کشورهای تحت سلطه طوسی سالیان اخیر یکی از برجسته ترین دلانلی است که ضدانقلابیون رنگارنگی را واداشته تا صفوف جیره خوارانشان را سر تا پا مسلح نمایند. بیشک گسترش همین مبارزات عادلانه توده های ستمدیده و شعله ورشدن هرچه بیشتر آتش انقلاب و سیل نوظفنده قهرانقلابی خلق، ارتشهای مزدور و امپریالیستی ای همچون ارتش ضدخلق جمهوری اسلامی و تمامی زوائد رنگارنگی آنرا خسرده و نابود خواهد نمود و آنگاه دیگر لحظه ای حاکمیت وابستگان به امپریالیسم و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امکان نخواهد داشت. دیر نیست آن روز!



که در نتیجه این بحرانها امواج جنبشهای توده ها هر دم پسر تلاطم تر گشته و خطر ناشی از آن رژیمهای دست نشانده را وادار به خرید سلاحهای پیشرفته نموده است. در نتیجه میتوان ثابت نمود که نمایندگان انحصارات جهانخوار امثال شولتز و دولتهای جنایتکارشان همچون دولت امریکا نه تنها برخلاف گفته شولتز در اجلاس ویژه اخیر سازمان ملل، هیچگونه نگرانی در رابطه با گسترش ابعاد خرید سلاحهای مرکبار نداشته و ندارند، بلکه منافع غارتگرانه شان ایجاب مینماید که چنین روندی همچنان ادامه داشته باشد. گسترش مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران و منطقه و دیگر

فروشنندگان سلاحهای مرکبار، صنایع دفاعی کشورشان مبلغ ۲۰ میلیارد دلار متضرر شده اند. این گفته نشاندهنده آن است که جدا از چگونگی مورد استفاده قرار گرفتن سلاحهای خریداری شده از سوی نوکران امپریالیستها مسئله مهم دیگر، برای غارتگران جهانی سودهای هنگفتی است که از این راه عایدشان میگردد.

بستک تحت شرایط فعلی که نظام امپریالیستی با بحران جهانی و دائم التزاید روبرو گشت، بازارهای خرید و فروش تسلیحات و افزار آلات مرکبار یکی از حوزه های پرمفعت برای امپریالیستها میباشد. بخصوص



رفقای هوادار سازمان در امریکا ترجمه و برای "پیام فداش" ارسال گردیده است، مبادرت نموده ایم.

در اینجا لازم میدانیم ضمن قدردانی از فعالیتهاش که رفقای هوادار در این زمینه انجام میدهند تاکید نمائیم که "پیام فداش" به گزارشات آماری دقیق در زمینه های مختلف اقتصادی احتیاج داشته و رفقای هوادار در خارج از کشور در صورتیکه بتوانند چنین آماری را تهیه کرده و برای ما ارسال نمایند ما را در پیشبرد وظایفمان یاری داده اند. بدون شک از آنجائیکه در صورت لزوم این گزارشات در نشریه درج خواهد گردید، منبع و تاریخ گزارشات مزبور حتما باید قید گردد

از آنجاکه ارزش حاصل از فروش نفت عمده ترین منبع درآمد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد و بحران موجود در بازار نفت، اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی را در وضع بازم دشوارتری قرار میدهد، و از آنجا که افزایش تولید و سقوط قیمت نفت در ماههای اخیر بدلیل مصالح یکسری از انحصارات امپریالیستی شدت یافته است و متضررین در این میدان نتوانسته اند به راه حلی برای مقابله با این امر دست یابند و ادامه این روند از اهمیت مهمی برخوردار است. برای آشنائی با گرایشات و اظهارنظراتی که در این زمینه در مطبوعات خود امپریالیستها منعکس میگردد به چاپ گزارش زیر که از نشریه شیکاگو تریبون (پنجشنبه ۷ جولای / ۱۹۸۸) بوسیله

اوپک ممکن است قیمت نفت را پائین تر

بیاورد.

و بازاریابی بهمراه کمپانی تکزاکو بعمل آورده، نشان میدهد که حتی اگر قیمت نفت دوباره بالا رفته و بجای اول خود باز گردد، کارتل اوپک همچنان از هم پاشیده باقی خواهد ماند.

حسین طهماسبی یکی از اقتصاددانان کمپانی نفت اشلند Ashland oil Inc. که در عین حال یکی از کارشناسان مورد احترام اوپک نیز میباشد، پیش بینی کرده است که تا دو سال آینده تعدادی از اعضای اوپک، خود را از این کارتل بیرون خواهند کشید. طهماسبی میگوید این کشورها ممکن است عربستان سعودی، کویت، ونزوئلا باشند و یا ایران و عراق که جنگ هشت ساله شان سازمان اوپک را فلج کرده است. ری برسفورد Ray Beresford اقتصاددان قبلی شرکت اکسان Exxon Corp. که در حال حاضر یکی از مدیران شرکت مشاورتی بین المللی انرژی در موریس تساون نیوجرسی میباشد، میگوید که: "اوپک کارتلی است

قیمت نفت خام که در ماه گذشته بیش از ۱۰٪ پائین آمده و به حداقل خود در سال جاری رسید، ممکن است بر اثر پاشیدگی کشورهای صادر کننده نفت باز هم بیشتر سقوط نماید.

عراق و امارات متحده عربی از چند وقت پیش بدون توجه به سهمیه تولیدی تعیین شده از طرف اوپک، مقدار تولید خود را افزایش داده اند. گفته میشود که چند عضو دیگر نیز که از لحاظ موجودی پول نقد در مضیقه هستند، بدون سرو صدا در حال افزایش تولید خود میباشند.

بعلاوه بنا بر گزارش تحلیل گران، هیچیک از ۱۳ کشور عضو اوپک، نفت خود را به قیمت تعیین شده یعنی بشکه ای ۱۸ دلار نمیفروشند. مثلا روز چهارشنبه دولت دومی نفت خام خود را بشکه ای ۶ / ۱۲ دلار در اروپا فروخت.

سرمایه گذارهای اغلب کشورهای صادر کننده نفت در کشورهای مصرف کننده، مانند آمریکا، میلیارد دلاری که عربستان سعودی برای تصفیه نفت

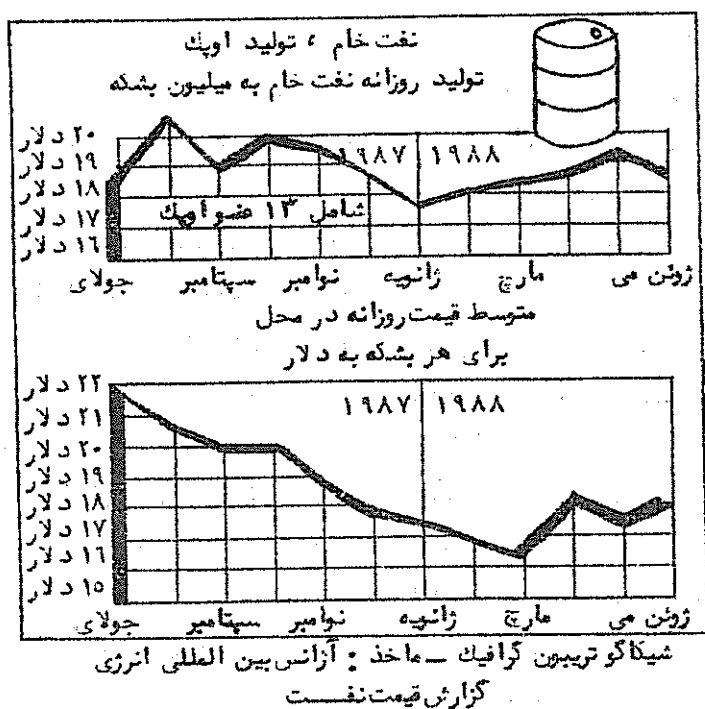
نازل نفت از طریق پائین آوردن تورم و اعطای قدرت خرید بیشتر به مصرف کنندگان، اقتصاد ایالات متحده را رونق بخشیده است. قیمت بنزین در سراسر امریکا - بطور متوسط ۹۵ سنت برای هر گالن - از تابستان قبل تا به حال اضافه نشده است.

بعضی از اقتصاددانان معتقدند که اگر قیمت نفت مانند سالهای هفتاد (۷۰) یعنی زمانیکه اوپک بر بازار جهانی نفت کنترل داشت، افزایش مییافت، ایالات متحده نمیتوانست توسعه اقتصادی امروزی را داشته باشد. اما عده ای دیگر از اقتصاددانان و سیاستمداران میگویند که قیمت ارزان نفت امنیت ایالات متحده را به مخاطره افکنده است. قیمت ارزان واردات نفت تولید داخلی را همیز زده است و اگر این روند ادامه یابد، برای اوائل سالهای ۱۹۹۰ نفت وارداتی حدود نصف احتیاجات این کشور را شامل خواهد شد.

عده زیادی از کارشناسان معتقدند که اگر اوپک خود را جمع و جور کند، میتواند نفت را به قیمت بالایی به مشتریان بفروشد. در این لحظه بخاطر بر بندوباری و عدم دیسیپلین در اوپک، امریکا و سایر کشورها توانستند بیش از احتیاجات

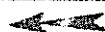
که در حال حاضر در اغتشاش بسر میبرد. با توجه به شرایط موجود، وزیران نفت ونزوئلا، الجزایر و اکوادور اعضای اوپک را به یک نشست اضطراری دعوت کرده اند. در همین زمان شرکت ملی نفت ونزوئلا ۵٪ از قیمت نفت سنگین و متوسط خود را کاهش داده است و نزول بازهم بیشتر قیمت نفت انتظار میرود، ویلیام رندول William Randol یکی از کارشناسان بین المللی نفت که در شرکتی بنام "اولین شرکت نیوجرسی" واقع در نیویورک کار میکند، سال ۱۹۸۸ را با سال ۱۹۸۶ که اوپک برای کنار زدن رقبای خود قیمت نفت را به ۹ دلار کاهش داده بود، مقایسه کرده است. "شرایط برای اوپک اکنون بدتر است، در آنزمان حداقل آنها متحد بودند و توانستند قیمت نفت را مجدداً بالا ببرند. در حال حاضر من هیچ چشم اندازی نمیبینم. جریان سال ۱۹۸۶ میتواند دوباره اتفاق بیفتد."

اگر چه پائین آمدن قیمت نفت برای اوپک و کشورهای صادرکننده ای نظیر مکزیک مخرب و کشنده است، لیکن اقتصاددانان متفق القولند که قیمت



الجزایر	۰/۶۱۷
اکوادور	۰/۲۲۱
گابن	۰/۱۵۱
اندونزی	۱/۱۹۵
ایران	۲/۳۶۶
عراق	۱/۵۴۰
کویت	۰/۹۹۶
لیبی	۰/۹۹۶
نیجریه	۱/۳۰۱
قطر	۰/۲۹۹
عربستان	۴/۳۴۳
امارات عربی	۰/۹۴۸
ونزوئلا	۱/۵۷۱

شیکاگو تریبون گرافیک



درستی را برای کاهش حجم تولیدو تثبیت قیمت در جهت منافع مشترک اعضا تعیین نمایند ، پایان رسیده است .

طهماسبی مشکل اوپک را تمایل طبیعی اعضای آن در جستجوی صادرات بیشتر برای دستیابی به پول بیشتر میداند . ولی هر اندازه که ثقل بیشتر شده و عرضه بالا میرود ، بهمان اندازه قیمتها پائین آمده و بالنتیجه هریک از اعضا با تولید و عرضه بیشتر همان مبلغ را دریافت میکنند که میتوانستند بدون ثقل بدست آورند . بعلاوه کشورهای که ذخایر نفت زیاد دارند ، مانند عربستان و کویت میخواهند با تولید بیشتر و پائین نگهداشتن قیمت ، دیگر تولید کنندگان را از دور خارج نمایند

خود نفت ذخیره نمایند . طبق گزارش روز چهارشنبه موسسه بین المللی درپاریس ، اعضای اوپک در ماه ژوئن گذشته ۱۸/۴ میلیون بشکه نفت استخراج کرده اند ، در حالیکه در کنفرانس نیم ساله اوپک در وین سهمیه تولید ۱۶/۶ میلیون بشکه تعیین شده بود . وزیران نفت کشورهای عضو همدیگر را متهم میکنند که موافقتنامه های مربوط به قیمت تعیین شده و حجم تولید را رعایت نمیکنند . در این میان عربستان سعودی بیش از دیگر کشورهای مورد خطاب بوده است . اما شهید پادشاه عربستان میگوید که دیگران هم بیش از مقدار تعیین شده ، تولید میکنند . بهر حال سه نشت گذشته اوپک بدون آنکه روش

تظاهرات در همدان

تظاهر کنندگان وحشیانه سه سوی آنان تیراندازی کرده و در نتیجه این عمل جنایتکارانه چند تن از تظاهر کنندگان کشته و دهها تن زخمی و دستگیر شدند . در این جریان مردم برای انتقال مجروحین به بیمارستان فعالانه اقدام نموده و در مسیر انتقال مجروحین سه بیمارستان نیز شعارهاش سر علیه رژیم داده مرشد .

سرکوب وحشیانه تظاهرات همدان باعث تشدید خشم و کینه مردم شهر نسبت به رژیم ددمنش جمهوری اسلامی گردیده و بار دیگر چهره سفاک رژیم مزدور خمینی را در مقابل توده ها به نمایش گذاشت .

قرمز" و خیابانهای اطراف ضمن ابراز نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی با شرکت خود در تظاهرات مزبور بر دامنه آن افزودند . دقیقی بعد از شروع تظاهرات نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که از این حرکت به وحشت افتاده بودند سراسیمه به خیابانها ریخته و با استقرار در کوچه ها و پست بامهای منطقه به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت شروع به تیراندازی هوایی نمودند ولی تظاهر کنندگان همچنان به شعار دادن بر علیه جمهوری اسلامی ادامه داده و با پیوستن عده ای از مردمی که در پیاده روها ناظر این حرکت بودند تظاهرات ابعاد وسیعتری نیز یافت .

مزدوران جمهوری اسلامی بمنظور متفترق نمودن

در بیست و یکم مردادماه در خیابان "چراغ قرمز" شهر همدان تظاهراتی بسر علیه سیاستهای ضد مردمی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی روی داد که در طی آن تظاهر کنندگان با سردادن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر خمینی" و "قاتلین فرزندانمان مجازات باید گردند" کینه و نفرت خویش را از رژیم مزدور خمینی اعلام نمودند .

در میان تظاهر کنندگان پلاکاردهائی که در آنها نوشته شده بود: "خون فرزندانمان چه شد" به چشم میخورد که بیانگر نفرت و انزجار مردم از جنگ امپریالیستی ایران و عراق و از شعارها و ادعاهای جمهوری اسلامی در این رابطه بود .

در جریان تظاهرات زحمتکشان بسیاری با بستن مغازه های خود در خیابان "چراغ



اخیرا اعلامیه ای از شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان - کراچی کسه به تاریخ ۲۲ مه ۸۸ در رابطه با صدور بیستمین روز تحصن عده ای از آوارگان ایرانی در مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی منتشر گردیده است. بدستمان رسید که برای اطلاع خوانندگان "پیام فداش" مبادرت به چاپ بحثهایی از اعلامیه مزبور مینمائیم.

لارم کسه یسار آوری است که منظور از "معترضین ۲۴ ژانویه" آن پناهندگان و آوارگان ایرانی میباشد که در اعتراض به سیاستهای دفتر پناهندگی سازمان ملل در پاکستان به اعتصاب غذا و تحصن متوسل گردیدند. ما ضمن حمایت از مبارزه آوارگان و پناهندگان ایرانی در هر گوشه از جهان در جهت رسیدن به خواستهای برجستهشان بار دیگر از همه انجمنها و سازمانهای هوادار در خارج از کشور مصرا میخواستیم که در این زمینه هر آنچه در توان دارند بکار گیرند.

متن اعلامیه مزبور به شرح زیر است:

صدوبیستمین روز تحصن "معترضین ۲۴ ژانویه" و

سیاست UN.HCR کراچی در مقابل آنان

خواستهای این افراد نکرده اند، بلکه از هر ابزاری برای متفرق کردن این جمع و جلوگیری از حرکت اعتراضی آنان، استفاده نمودند. این تضيیقات با فراخواندن پلیس برای دستگیری معترضین و انتقال آنان به پلیس استیشن دیفنس آغاز گردید و با انتقال شبانه آنان به کمپ آوارگان افغانی واقع در بیست و پنج کیلومتری کراچی و سپس به مرکز خیریه "ایدی هوم" تداوم یافت. با بازگشت معترضین بیست و چهار ژانویه به مقابل دفتر UN این تضيیقات به اشکال مختلف دیگری گسترش یافت.....

در چنین شرایطی اطلاعیه ای از طرف UN کراچی صادر شده است که طی آن در راستای سیاست تاکتونی این دفتر مبنی بر بی توجهی کامل به خواسته های متحصنین و برای جلوگیری از هرگونه

هموطنان پناهنده و آواره!

بارسیدن بیست و چهارم ماه مه، چهار ماه از تحصن و اعتصاب غذای جمعی از هموطنان آواره مسان در مقابل دفتر U.N.H.C.R کراچی میگردد. این افراد که همچون بسیاری از هموطنان آواره مان بسا گریختن از جهنم رژیم ضدانقلابی ایران، برای گرفتن کارت پناهندگی به دفتر U.N.H.C.R در کراچی روی آورده بودند، متاسفانه بدلیل وجود سیاستهای حاکم بر UN از حق پناهندگی محروم گشته اند بنابراین در اعتراض به این اعمال غیرمسئولانه و پایمال شدن حقوق مسلمشان از بیست و چهار ژانویه اقدام به تحصن نمودند. تحصنی که بیش از بیست روز آنرا با اعتصاب غذای مداوم پشت سر گذاشتند.

مسئولین UN کراچی، از ابتدای این حرکت، نه تنها هیچگونه رسیدگی مسئولانه در مقابل

همان سیاستی که در تحن پناهندگان و آوارگان ایرانی در فوریه ۸۷ در تظاهرات آوریل ۸۷ و حادثه پس از جولای سال گذشته، UN فرصت طلبانه از آن سود برده است و اینک نیز اصرار و تلاشی بیهوده بر ادامه آن دارد. جالب است که UN کراچی در این اطلاعیه ها بغیر از تهدید و ارعاب دیگر پناهندگان از بدتر شدن "موقعیت" شان هیچگاه کوچکترین اشاره ای به اینکه چرا پناهندگان و آوارگان دست به تظاهرات و اعتصاب و تحن میزنند، نکرده است این در حالیست که خود آنها بر این امر واقف بوده و هستند که سیاست فشار مداوم و عملکردهای ضد پناهندگی شان بوده که عامل شکل گرفتن اینهمه حرکات اعتراضی گشته اند و تا زمانیکه اینگونه سیاستها و عملکردها ادامه داشته باشد، بیشک اعتراض بر علیه آنان نیز به اشکال مختلف وجود خواهد داشت در ارتباط با "متعرضین بیست چهار ژانویه" نیز این امر صادق است.....



حرکت اعتراضی آنان، از پناهندگان و آوارگان خواسته اند "..... در حفظ آرامش کوشیده و از جلب توجه بپرهیزند. تظاهرات و اعتصابات معدودی ممکن است اثرات جدی بر موقعیت کلیه مراجعین به این دفتر داشته باشد. مسئولیت عواقب توقف و اجتماع در اطراف دفتر در غیر ساعات اداری بر عهده خود افراد میباشد و اینگونه اعمال موقعیت سایر پناهنجویان و پناهندگان را بخطر میاندازد. " در این اطلاعیه مسئولین UN نخست مخالفت خود را با هرگونه حرکت اعتراضی از طرف پناهندگان و آوارگان اعلام داشته و سپس در مقابل امنیت پناهندگان و بخصوص "متعرضین بیست و چهار ژانویه" از خویشتن سلب مسئولیت مینمایند.

آنچه در این اطلاعیه بوضوح روشن است، تداوم سیاست غیرانسانی تهدید و ترساندن پناهندگان و در مقابل یکدیگر قرار دادن آنها برای جلوگیری از حرکات اعتراضی بر حقتشان میباشد.



۱۷ شهریور ۵۷ نقطه عطفی در مبارزات

تسوده ها



بمناسبت

دوازدهمین سالگرد

مرگ مائوتسه دون رهبر کبیر

انقلاب چین و آموزگار بزرگ

پرولتاریای جهان



سنندج

x- مزدوران جمهوری اسلامی در کردستان که در وحشت از تعرضات پیشمرگان خلق کرد با فرازیدن شب بی هدف مبادرت به تیراندازی می‌نمایند که به این وسیله گاه باعث کشته و مجروح شدن اهالی بیدفاع می‌گردند. در همین رابطه چندی پیش در منطقه ژاورود سنندج ۲ تن از اهالی روستای "نی سرر" که از یک مهمانی به خانه هایشان باز می‌گشتند مورد اصابت گلوله های مزدوران رژیم قرار گرفته و یکی از آنها که جوان ۱۸ ساله ای بود کشته و دیگری مجروح می‌گردد. مزدوران برای بد نام کردن پیشمرگان و بیگناه جلوه دادن خود بیشرمانه این عمل وحشیانه را به پیشمرگان نسبت می‌دهند که باعث خشم و انزجار بیشتر اهالی می‌گردد.

x- چندی پیش نیروهای رژیم برای سربازگیری، وحشیانه به روستای "حکدان" واقع در منطقه ژاورود سنندج هجوم برده و تعدادی از جوانان روستا را

دستگیر می‌نمایند. اهالی در اعتراض به این اقدام و برای آزادی دستگیر شدگان، نیروهای رژیم را مورد حمله قرار می‌دهند که بر اثر تیراندازی مزدوران یکی از اهالی مجروح می‌گردد در ضمن در این منطقه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده که باید برای استقرار پایگاههای رژیم کمک مالی نمایند و هر روز تعدادی از اهالی را مجبور به بیکاری می‌کنند.

x- روز سی و یکم مرداد ماه جاشهای خود فروخته پایگاه روستای "که لن" زحمتکشان روستای "توریور" را مورد ضرب و شتم قرار داده و به اذیت و آزار زنان و دختران این روستا مبادرت می‌نمایند. اهالی مبارز روستای "توریور" که در بخش ژاورود سنندج قرار دارد در یک حرکت اعتراض متحدهانه به جاشها حمله کرده و آنان را خلع سلاح می‌نمایند. مزدوران رژیم که در مقابل صفوف فشرده اهالی به عجز و ناتوانی خود پی برده بودند با خواهش و التماس از اهالی مبارز روستا خواستند که سلاحهایشان را به آنها پس بدهند.

مهاباد

x- چندی پیش جاشهای خود فروخته تعدادی از سلاحهای

خود را به اهالی زحمتکش روستای "ازونتاش" در منطقه مهاباد می‌فروشتند و سپس با همکاری پاسداران ضد خلقی به روستای فسوق حمله کرده و سلاحهای فروخته شده را از خانه افرادی که خریده بودند ضبط نموده و ضمن ضرب و شتم آنها سلاحهای مزبور را که ۶ قبضه تفنگ و ۴ قبضه اسلحه کمری بود را با خود بردند.

دیواندره

x- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به اهالی روستاهای منطقه خورخوره دیواندره اعزام نموده اند که حق ندارند از ساعت ۸ شب تا ۵ صبح در روستاهای خود رفت و آمد نمایند. علاوه بر این مزدوران رژیم روستائیان را تحت فشار قرار داده اند تا خانه باغهایشان را تخلیه کرده و آنها را خراب کنند، در همین رابطه در مقابل مقاومت و اعتراض اهالی مبارز روستای "مولان آوا" نیروهای رژیم به اذیت آزار اهالی پرداخته که در نتیجه اهالی تحت فشار عوامل رژیم مجبور به ترک خانه باغهای خود گردیدند و پس از این مزدوران رژیم خانه باغهای اهالی را به آتش کشیدند.

مربوان

x- در هفدهم شهریور

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی می‌جنگد



مسئله مزدوران سپاه پاسداران مریوان، آخوندها و اعضای شوراهای اسلامی، اهالی تعدادی از روستاهای شهرستان مریوان را در یکی از روستاهای منطقه جمع کرده و از آنان می‌خواهند که در رابطه با فعالیتهای نیروی پیشمرگه به رژیم ضد خلقی کمک نمایند. اما اهالی مبارز روستاهای مسزبور حاضر به همکاری با نیروهای سرکوبگر رژیم بر علیه پیشمرگان خلق نکردند و تنها یکی از ملاهای محلی تن به خیانت و جاسوسی داده و آمادگی خود را برای همکاری با رژیم ضد خلقی اعلام نمود.

سقز

×- در اوایل شهریور ماه جمهوری اسلامی اهالی زحمتکش چند روستای بخش فیضل الله بیکی سقز را به منظور برداشتن اسلحه تحت فشار قرار داد که بر اثر اعتراض و مقاومت اهالی مزدوران رژیم مجبور به عقب نشینی گردیدند اهالی مبارز این منطقه با مقاومت متحدانه خود سیاست تسلیح اجباری جمهوری اسلامی را با شکست مواجه نمودند.

بوکان

×- در پی اطلاعیه دادستانی ضد انقلابی آذربایجان غربی بر علیه پیشمرگان خلق کرد امام

جمعه مزدور بوکان نیز خطاب به اهالی مبارز این شهر گفت: هر کس به پیشمرگان کمک نماید به شدیدترین مجازاتها محکوم خواهد شد.

پیرانشهر

×- رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پس از به آتش کشیدن روستای بردانان از توابع پیرانشهر اهالی زحمتکش این روستا را به کوچ اجباری واداشتند و با جبر و زور آنها را در نزدیکی یکی از پایگاههای سرکوب خود واقع در روستای قبرحین سکنی داده است که اهالی روستا در سخت ترین شرایط بسر برده و هیچگونه امکانات زیستی ندارند و حتی از داشتن آب مورد نیاز خود نیز در مضیقه می‌باشند. اهالی زحمتکش روستای بردانان چون از طریق دامداری امرار معاش می‌کردند و فشارهای رژیم جاسوسی کار و کسب آنها را گرفته است اجباراً تن به فروش دامهای خود به قیمتهای ارزان داده تا حداقل امکانات زندگیشان را سامین نمایند.

اشنویه

×- در اوایل شهریور ماه به علت کمبود شدید بنرین صفهای طویلی از اتومبیل ها و رانندگانشان در مقابل مراکز توزیع بنرین در اشنویه بوجود آمد، به علت تجمع مردم و

اعتراضات آنها مسئولین مربوطه دخالت کرده و به اهالی مرگوبند از کوپنهاستان چشم پوشی کنید تا به هر نفر ده لیتر بنرین بدهیم.

لازم به یادآوری است که در حالیکه کمبود بنرین در شهرهای کردستان همچون سردشت و پیرانشهر به شدت به چشم می‌خورد ولی در بازار سیاه بنرین به حد وفور وجود داشته و هر بیست لیتر بنرین به مبلغ ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان خرید و فروش می‌شود.

شمال کردستان

×- چندی پیش یکی از سربازان گردان قائم در منطقه "سه پیران" در شمال کردستان در یک اقدام شجاعانه معاون مزدور پایگاه روستای "سپید دره" را اقدام انقلابی نموده و همراه با تجهیزات انفرادی خود به صفوف پیشمرگان پیوست لازم به یادآوری است که در ماههای اخیر فرار سربازان از مراکز نظامی در کردستان افزایش یافته است.



رفقای هوا دار:

اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع‌آوری نموده و به آدرسی که سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

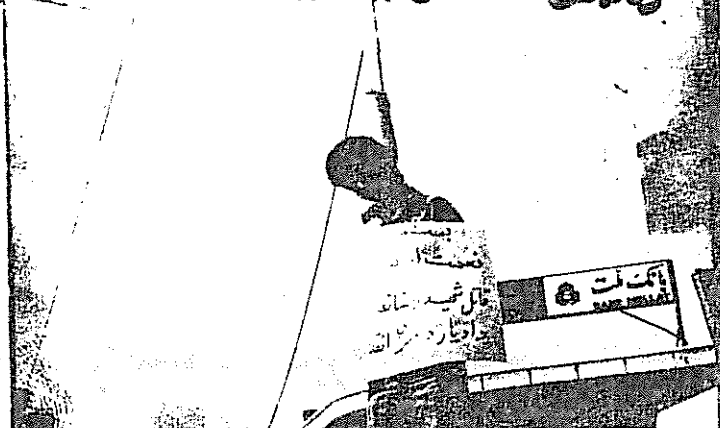
پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

نمونه ای از فجایع جمهوری اسلامی بر علیه زندانیان سیاسی

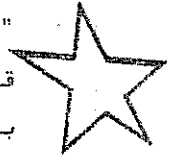
در زمستان سال ۶۰ شاهوند جنایتکار دادیار دادرسی ضد انقلابی جمهوری اسلامی در بندرعباس بوسیله تیمی از هواداران سازمان طی یک عملیات متهورانه در این شهر اعدام انقلابی گردید .
عکس فوق که صحنه بدار آویختن رفیق نعمت الله بشخور بدلیل شرکت در اعدام انقلابی این مزدورمیباشد، بروشنی ماهیت ددمنشانه جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته و بیانگر تلاشهای مذبوحانه رژیم است که در وحشت از نفرت و انزجار توده هابا توسل به این اقدامات وحشیانه میکوشد فضای رعب و وحشت را در جامعه حاکم ساخته و چند صباحی بیشتر به حیات سراسر جنایت خود بیافزاید.



ولام فی القصاص جیو قیا اولی الالباب



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
 قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
 بر افرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
 به پیش رویم!"
 (ماثوتسه دون)



شهادتای مرداد و شهریور

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:

۶۰/۶/۱۶ فریده شمشیری
 ۶۰/۶/۱۷ علیرضا پناهی
 ۶۰/۶/۱۹ بهروز شاهین
 ۶۰/۶/۱۹ حبیب صادقی
 ۶۰/۶/۲۰ امیرنماری رادگان
 ۶۰/۶/۲۷ رضا خالص
 ۶۰/۶/۲۷ ماهرخ یوسفی
 ۶۰/۶/۲۷ غلامشاه (جواد) ضمیری
 ۶۰/۶/۲۸ محمد اسرافیلی
 ۶۰/۶/۲۸ علیرضا تراقچی
 ۶۰/۶/۲۹ نصرالله احمدشاهی
 ۶۱/۶/۱ شهرام شفیعیان
 ۶۱/۶/۲ امیر معصوم علیشاهی
 ۶۱/۶/۲ شهناز رونابی
 ۶۱/۶/۲ احمد کریمی
 ۶۱/۶/۲ نصرت کریمی
 ۶۱/۶/۶ محمد یوسف پوری
 ۶۱/۶/۲۹ صدیق دیده رو
 ۶۰/۶/۲۱ عبدالله وارثکی

۶۱/۵/۹ حیدر باباش
 ۶۱/۵/۹ بهرداد شاه مرادی
 ۶۱/۵/۲۸ بهروز کتابی
 ۶۲/۵/۲ محمدرضا فولاد خانی
 رفقا:



۵۱/۵/۲ محمد صفاری آشتیانی
 ۵۱/۵/۹ فرخ سپهری
 ۵۱/۵/۹ مهدی ذکریلیت کلام
 ۵۱/۵/۹ فرامرز شریفی
 ۵۱/۵/۹ فریدون شافعی
 ۵۱/۵/۹ محمدرضا خوانساری
 ۵۱/۵/۲۸ احمد زبیرم
 ۵۲/۵/۲ عباس جمشیدی رود باری
 ۵۴/۵/۱ زین العابدین رشت چی
 ۵۴/۵/۱۷ جهانسیخش پایداری
 ۵۴/۵/۱۷ غلامرضا بانژاد
 ۵۴/۵/۱۷ حسین الهیاری
 ۵۵/۵/۲۱ مرتضی فاطمی
 ۶۰/۵/۵ حسین پور قنبری
 ۶۰/۵/۵ محمدتقی ترابی
 ۶۰/۵/۵ محمدرضا رمضانعلی
 ۶۰/۵/۵ محمد عظیمی
 ۶۰/۵/۵ محمد یزدانی
 ۶۰/۵/۷ کامران اسماعیل زاده
 ۶۰/۵/۱۰ ابراهیم جلالی
 ۶۰/۵/۲۴ هادی حسین زاده کرمانی
 ۶۰/۵/۲۴ همام شعیفی
 ۶۰/۵/۲۵ کرامت سرخورداری
 ۵۰/۶/۱۵ سیروس سپهری
 ۵۲/۶/۲ ایرج سپهری
 ۵۲/۶/۷ اعظم روحی آهنگران
 ۵۲/۶/۱۴ عباس کابلی
 ۵۵/۶/۱۲ پرویز داوری
 ۵۵/۶/۸ حسن سعادت
 ۵۶/۶/۶ هاشم باباعلی
 ۵۶/۶/۱۲ غلامحسین بیگی
 ۵۹/۶/۱۸ رضا بهفر
 ۵۹/۶/۲۲ بهزاد یوسفی (کاک صمد)
 ۶۰/۶/۲ لطف الله کیوانی فر
 ۶۰/۶/۶ سعید اسماعیل پور موسوی
 ۶۰/۶/۶ مانی خداوردی
 ۶۰/۶/۸ عباس کاتوزیان
 ۶۰/۶/۱۱ سیدمرتضی میررضایی
 ۶۰/۶/۱۲ محمد چشم براه

روز شمار مرداد و شهریور

۱۲-۵/۱۲- آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)
 ۱۴-۵/۱۴- درگذشت فردریک انگلس
 (۱۸۹۵)
 ۲۵-۵/۲۵- شهادت مجاهد خلق
 فاطمه امینی
 ۲۸-۵/۲۸- کودتای امیرالیستی
 بر علیه دکتر محمد مصدق
 ۲۸-۵/۲۸- اعلام جهاد خمینی
 بر علیه خلق کرد و یورش وسیع
 نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی
 به کردستان

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

(جمعه خونین) و اعلام حکومت نظامی	(۱۹۲۹)	۲۹ / ۵ / ۱۳۵۷ فاجعه آتش سوزی	۲۹ / ۵ / ۱۳۵۷
در ۱۱ شهر ایران	۶ / ۱۱ / اعلام جمهوری دمکراتیک	وینام شمالی (۱۹۴۵)	۶ / ۱۱ / ۱۳۵۷
در گذشت مائوتسه دون	۶ / ۱۲ / در گذشت هوشی مین (۱۹۷۵)	روز شمار شهریور ماه	۱۴ / ۵ / ۱۳۸۵ انقلاب مشروطیت
(۱۹۷۶)	۶ / ۱۲ / ۱۳۲۰ تشکیل فرقه	۶ / ۲ / قیام مردم سایگون (۱۹۴۵)	۶ / ۲ / ۱۳۸۵
۶ / ۲۰ / کودتای آمریکا علیه آئنده	دمکرات آذربایجان	۶ / ۲ / نبرد استالینگراد (۱۹۴۲)	۶ / ۲ / ۱۳۸۵
(۱۹۷۲)	۶ / ۱۲ / پیروزی سالوادور آئنده	۶ / ۱۱ / قتل عام اهالی	۶ / ۱۱ / ۱۳۸۵
۶ / ۲۶ / قتل عام فلسطینان در	در شیلی (۱۹۷۰)	روستای قارنا در کردستان	۶ / ۱۱ / ۱۳۸۵
اردن (سپتامبر سیاه) ۱۹۷۰	۶ / ۱۶ / ۱۳۴۷ شهادت معلم	۱۱ / ۶ / آغاز جنگ جهانی دوم	۱۱ / ۶ / ۱۳۸۵
۶ / ۲۶ / قتل عام فلسطینیان در	انقلابی رفیق صمد بهرنگی		
صبرا و شتیلا (۱۹۸۲)	۵۷ / ۶ / ۱۷ / کشتار مردم تهران		

امریکا

مجموعه های مالی

موضوع	مبلغ	موضوع	مبلغ
کردستان - هوستون	۱۰ دلار	کردستان	
قنوس - هوستون	۱۰ دلار	خلق کرد - ابراهیم	۲۰۰۰۰ ریال
ناقوس - هوستون	۲۰ دلار	شاهو	۴۵۰۰ ریال
نیوشا فرهی - هوستون	۷۰ دلار	شاهو	۵۰۰۰ ریال
آزادی - هوستون	۱۰ دلار	سوئد	
زننده باد سوسیالیسم - هوستون		م	۲۰۰ کرون
۲۰ دلار		همایون کتیرانی	۱۰۰ کرون
رفقای کرد - کالیفرنیا	۵۰ دلار	با ایمان به پیروزی راهمان	
کردستان فهردان - نیومکزیکو		۱۰۰ کرون گوتنبرگ	
۲۲ دلار		رفیق عبدالحسین عنانی	۱۲۰ کرون گوتنبرگ
هالام - میامی	۱۵۰ دلار	رفیق صفایی فراهانی	۱۰۰ کرون گوتنبرگ
زیباش مبارزه - واشنگتن	۶۲ دلار	رفیق مسعود احمدزاده	۱۱۰ کرون گوتنبرگ
		رفیق حمید اشرف و رفیق	
		عبدالحسین عنانی	
		۴۰۰ کرون گوتنبرگ	



حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم و تردید ناپذیر خلقهاست

جمهوری اسلامی در وحشت از جنبش خلق کرد

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی سردمداران جنایتکار رژیم در وحشت از تعرضات پیشمرگان خلق کرد به تکاپو افتاده و برای سرکوب گسترده تر جنبش خلق رزمنده کرد شروع به تدارک نمودند، و از آنجا که یکی از مهمترین خصوصیات جنبش خلق کرد پایگاه وسیع توده ای آن میباشد نیروهای سرکوبگر رژیم بمنظور سرکوب پیشمرگان کردستان بویژه سعی نمودند به تهدید و اذیت و آزار روستائیان زحمتکش این منطقه ابعساد هرچه بیشتری بخشند.

در همین جهت دادستانی ضدانقلابی استان آذربایجان غربی اطلاعیه ای انتشار داد که متن آن طس روزهای ششم و هفتم مردادماه بارها از فرستنده رادیوئی مهاباد خوانده شد و خود اطلاعیه نیز بوسیله مزدوران رژیم در اکثر روستاهای منطقه پخش گردید.

در این اطلاعیه از مردم ستمدیده شهرها و روستاهای مهاباد، ارومیه، نقده، اشویه، پسران، سردشت و بوکان

در صفحه ۲۰

جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی سامانی (کاک فرهاد) که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگید!

بار دیگر دست جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی به خون یکی دیگر از سیدترین فرزندان انقلاب خلق آلوده شد و دژخیمان این رژیم چریک فدائی خلق رفیق فریدون محمدی سامانی را به جوخه های مرگ سپردند. برشک تاریخ مبارزات شکوهمند خلقهای محسوم و بیباخته برعلیه سلطه امپریالیزم و سگهای زنجیریش در میهن مادر هر برگ خودباخون پاک در صفحه ۲۳

جاودان باد
خاطره اندیشمنند
ورهببر کییر
کارگران جهان
فردریک انگلس

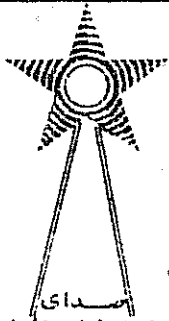


جاودان باد
خاطره اندیشمنند
ورهببر کییر
کارگران جهان
فردریک انگلس

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی بکشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نژادی های زیر مکاتبه کنید:



انگلستان

فرانسه

F. S
B. P. 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

۹ شب و

۶، ۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر

چریکهای فدائی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبیعت کارگر!